



بسیجی، پیشرو در تمام خوبی‌ها

بسیاری از پیشرفت‌ها و موفقیت‌های نظام اسلامی در عرصه‌های مختلف مرهون همین تفکر بسیجی است؛ بسیجی یعنی حضرت علی (ع) که (در همه عرصه‌ها پیش‌تاز بودند و) تمام وجودشان را وقف اسلام کردند.

۳

یادداشت

وار؛ فناوری حکمرانی عادلانه

چندی است که ادبیات رایج بسیاری از اندیشمندان، اصلاح فرایند حکمرانی است و در این چارچوب شاخصه‌هایی نیز مطرح گردیده است.

۵



افتخار به ایران

بعد از بازی اول در برابر انگلیس ما در قطر و دوحه می‌گشتیم ولی بیشتر با سکوت.

۵

قدرت روبه افول

امروز نیز وابستگی آمریکا به سیستم و شبکه نظامی - اقتصادی و نیز کنترل افکار عمومی و آزادی‌های مدنی که به بهانه حفظ امنیت داخلی و خارجی و مبارزه با تروریسم، گسترش بیشتری پیدا کرده است.

۲

رهبر معظم انقلاب در دیدار بسیجیان بیان نمودند:

بسیج یک «فرهنگ»، «گفتمان» و «تفکر» است

مرگ را از مردم دور کند. بسیجی بودن یعنی خستگی نشناختن در کمک‌های مومنانه. بسیج، فرهنگ مجاهدت بدون توقع است.

بسیج این ظرفیت دارد که کشور را قدم به قدم و با گام‌های بلند جلو ببرد.

| در صفحه ۲ بخوانید

یک فرهنگ و گفتمان است، تفکر است. این فرهنگ عبارت است از خدمت بی‌توقع به اجتماع و کشور.

فرهنگ بسیجی یعنی تا زانو در گل فرو برود برای اینکه گل را از خانواده‌های سیل زده پاک کند، خود را در خطر کرونا و مرگ قرار دهد و خطر

بسیج در میدان نظامی درخشید و حضورش در جنگ گره‌گشا بود. پشتیبان ارتش و سپاه بود، لکن آزمون بسیج در میدان جنگ آزمون پرشکوهی بود.

بسیج صرفاً یک سازمان نظامی نیست و جایگاهش رفیع‌تر و بالاتر است. بسیج

بسیجیان به صورت حضوری در حسینیه امام خمینی (ره) و مجازی از سراسر کشور با حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، در سالروز تشکیل نیروی مقاومت بسیج دیدار داشتند مهم‌ترین محورهای بیانات رهبر انقلاب در دیدار به شرح زیر است:

پیشرفت کنیم مگر آنکه هضم شویم در نظام سرمایه‌داری جهانی. خودشان تمام نگرش‌های استعماری را بازتولید می‌کردند.

یک تحریف این است که می‌گویند در انقلاب اصلاً حرف از اسلام نبود! مردم فقط دنبال آزادی بودند و یکباره روحانیون همه مطالبات را مصادره کردند! اگر مردم صرفاً دنبال آزادی بودند، آیا چهره‌ای لیبرال میان مخالفین شاه نبود که مردم دنبال او راه بیافتند؟

این توانمندسازی زنان که در جمهوری اسلامی اتفاق افتاده، آیا در تاریخ ایران در هیچ دوره دیگری اتفاق افتاده است؟ آیا در تاریخ ایران هیچ‌وقت این همه زن تحصیل کرده، وکیل، متخصص، پزشک، هنرمند، نویسنده و ورزشکار موفق در صحنه‌های بین‌المللی داشته‌ایم؟

آمریکایی‌ها از پیشرفت وضعیت زنان ایرانی در جمهوری اسلامی ناراحت هستند. در برنامه آنها قرار نبوده این اتفاقات در جمهوری اسلامی رخ دهد. تصویر مطلوب آنها از اسلام، داعش و طالبان است.

آیا دولت آمریکا فی‌سبیل‌الله صدها هزار دلار پول می‌دهند به خانی که علیه حجاب تبلیغ کند؟ دولت آمریکا مسئله‌اش با ایران قانون حجاب است؟ چرا به یک مستخدم پول می‌دهند که ۵، ۶ سال متمرکز بر یک مسئله از میان صدها مسئله زنان پروپاگاندا کند؟ چون دنبال تنش و شکاف اجتماعی هستند.

مشارکت گسترده زنان مسلمان در برنامه‌های جمهوری اسلامی در حوزه آموزش، بهداشت، ورزش، هنر و ... به دلیل حجاب ممکن شده است. حمایت نهاد دین از سرمایه‌گذاری گسترده دولت در این عرصه‌ها و تشویق زنان به مشارکت در جامعه توسط رهبران دینی با وجود حجاب امکان‌پذیر شد. اگر اوضاع مثل رژیم گذشته بود آیا روحانیت و علما حمایت می‌کردند که چنین اتفاقاتی بیفتد؟ | صفحه هفتم



گفت‌وگوی با شهاب اسفندیاری درباره وقایع اخیر

۲۰ سال است که اصلاح‌طلبان با توهم فروپاشی پیشی رفته‌اند

اساساً مدرنیته اروپایی مبتنی بر این نگرش نژادپرستانه به «دیگران» بود. برخی از دولتمردان ما تا مغز استخوان مرعوب غرب بودند. تصورشان این بود که ما نمی‌توانیم

را در آیین روایت‌های آن‌ها دیده‌ایم. نهایت آن روایت‌ها این است که شما نمی‌توانید خودتان پیشرفت کنید، مگر آنکه ذیل ما تعریف شوید. چون ما ذاتاً از شما برتریم.

متأسفانه ما گاهی خودمان را هم در آیین غرب دیده و شناخته‌ایم. مستشرقان غربی ما را برای خودمان روایت کردند. در زمان امروز هم رسانه‌های غربی ما را روایت می‌کنند. خودمان

تیم ملی نمایش «هویت جمعی» یک ملت

فوتبال از شگفت‌انگیزترین پدیده‌هایی است که بشر در دوره جدید اختراع کرده است. بازی فوتبال این ظرفیت را دارد که خواست و اراده شهروندان را نمایندگی کند. وقتی تیم فوتبال به میدان می‌رود، طرفداران احساس می‌کنند که به نمایندگی از تک‌تک آنان در حال مسابقه است. به همین دلیل با تمام وجود لحظه‌های بازی را دنبال می‌کنند و گویی «جمعیت هوادار» است که با بازیکنان حریف روبه‌رو می‌شود. | صفحه سوم



آینده انقلاب اجباری

همه می‌دانیم که مطالبه اصلی بزرگترین انقلاب فمینیستی دنیا! در این دو ماه اخیر، «آزادی» به معنای نفی محدودیت‌های اجتماعی اجباری بود.

۲



فقدان یک نظام اندیشگی

ما با دومین شکاف تمدنی و با بیشمار بحران فرهنگی روبه‌رو هستیم که نه تنها جمهوری اسلامی که روشنفکران هم نمی‌دانند با این شرایط جدید چطور خود را سازگار کنند.

۲

رهبر معظم انقلاب در دیدار بسیجیان بیان نمودند:

بسیج یک فرهنگ و گفتمان است، تفکر است

را در منطقه خنثی کرد.

– حالا مشخص می‌شود که چرا دشمنان دنبال برجام دو و سه بودند. برجام دو یعنی ایران باید از منطقه به کلی خارج شود. برجام سه یعنی ایران متعهد شود که هیچ سلاح راهبردی مهمی تولید نکند و پهپاد و موشک نداشته باشد.

– هر اغتشاشگر و تروریستی باید مجازات شود. بسیج نباید خودش را محدود به اقدامات جزئی کند. اغتشاشگر، سرانگشت همان کسانی است که در آن نقشه بزرگ شکست خوردند و طور دیگری وارد میدان شدند. بسیجی بدانند که درگیری اصلی با استکبار جهانی است.

– عده‌ای ادعای فهم سیاسی هم می‌کنند، اما تهدیدات آنان در روزنامه‌ها و فضای مجازی ما را متأسف می‌کند. آنان می‌گویند برای اینکه اغتشاش‌ها را تمام کنیم، باید مشکل مان را با آمریکا حل کنیم یا می‌گویند باید صدای ملت را بشنویم. با آمریکا چگونه مشکل حل می‌شود؟ آیا با نشستن و مذاکرات و از آمریکا تعهد گرفتن مشکل حل می‌شود؟

– آیا آمریکا تحریم را برداشت و به تعهدات خود عمل کرد؟ آمریکا به تعهداتش عمل نمی‌کند. آمریکایی‌ها در برجام گفتند شما فعالیت صنعتی هسته‌ای را کاهش دهید و ما تحریم‌ها را برمی‌داریم، اما این کار را نکردند. مذاکره مشکل ما با آمریکا را حل نمی‌کند، چرا که آنان مدام باج می‌خواهند.

– صدای ملت ایران در ۱۳ آبان بلند شد. آیا آن را شنیدید؟ مگر از تشییع جنازه شهید سلیمانی چقدر گذشته است؟ آن صدای ملت ایران بود. امروز هم صدای ملت ایران را در تشییع جنازه شهدا و شعارهای آنان علیه اغتشاشگران و تروریست‌ها بشنوید.

– دشمن و نقشه‌های دشمن را باید بشناسیم و نباید کسی در مقابل نقشه‌های آنان غافلگیر شود. امروز مهم‌ترین شیوه دشمن، جهل و دروغ‌پردازی است. آنان خبر و تحلیل دروغ می‌گویند و یک عده‌ای هم آن را باور می‌کنند. جهاد تبیین در اینجا بسیار مهم است. مسئولان کشور باید به همه اطراف کشور توجه داشته باشند. باید توجه داشته باشیم که دشمن می‌خواهد چه کار کند.

– دیروز بچه‌های تیم ملی فوتبال کشورمان در جام جهانی چشم ملت را روشن و آنان را خوشحال کردند. خداوند چشم آنان را روشن کند.

بسیج در کشور ما آماده است تا کشور را پیش ببرد. بسیج، فرهنگ خدمت بی‌تظاهر به مردم است.

– در جهان اسلام هم میلیون‌ها بسیجی داریم. در هر دوره‌ای حضور بسیج نشان می‌دهد که انقلاب زنده است، به کوری چشم کسانی که از انقلاب برائت می‌کنند.

– بسیجی اهل اقدام و عمل است. البته بسیجی در کنار عمل‌گرایی، محصور در عمل‌گرایی نمی‌شود و آرمان‌ها را فراموش نمی‌کند. فراموش کردن آرمان‌ها کار خطرناکی است.

– اصرار دارم که بسیجی قدر و جایگاه بسیج را بدانند. بسیج در جغرافیای سیاسی جهان اسلام جایگاه والایی دارد.

– جبهه استعمار غرب نسبت به منطقه غرب آسیا یا خاورمیانه توجه خاصی دارد، چرا که منطقه مهم است و حرکت چرخ‌های صنعتی دنیای غرب به عامل نفت که در منطقه ماست، وابسته است.

– به همین دلیل بود که آنان رژیم غاصب صهیونیستی را به عنوان پایگاه خود در منطقه ایجاد کردند تا جنگ و اشغال کنند.

– ایران در منطقه غرب آسیا از همه مهم‌تر است، چرا که ثروتش از همه این کشورها بیشتر است و آنان روی ایران از دیگر کشورهای منطقه حساس‌تر هستند.

– انقلاب اسلامی در ایران ناگهان همه چُرت‌های آنان را پاره کرد و انقلاب اسلامی ضربه مهلکی به سیاست‌های استعماری زد. انقلاب آنان را به کنج انزوا راند.

– ما با انقلاب اسلامی هویت وابستگی و آویزان بودن به آمریکا، انگلیس و استعمار را تبدیل به باج ندادن و روی پای خود ایستادن کردیم.

– انقلاب ما دل‌های ملت‌های همسایه و منطقه را دگرگون کرد. ملت ایران در صحنه است. دشمنان همه کار برای نابودی انقلاب کردند، اما فهمیدند که سخت است که با ایران روبرو شوند.

– آنان می‌خواستند اختیار عراق، سوریه و حزب‌الله لبنان را در اختیار بگیرند، اما نتوانستند. آمریکایی‌ها هزینه مالی و زمانی زیادی کردند که به ایران ضربه بزنند، اما نتوانستند.

– حالا معلوم می‌شود که چرا اسم حاج قاسم سلیمانی برای مردم ایران تا این حد محبوب و برای دشمنان تا این حد مغضوب است. حاج قاسم سلیمانی نقشه‌های دشمن



یادداشت

آینده انقلاب اجباری

ابوالفضل اقبالی

همه می‌دانیم که مطالبه اصلی بزرگترین انقلاب فمینیستی دنیا! در این دو ماه اخیر، «آزادی» به معنای نفی محدودیت‌های اجتماعی اجباری بود. جنبشی که از اساس در نفی «اجبار» شکل گرفت اما در امتداد خود به طرز خشن و عریانی به اجبار متوسل شد. اعتصاب‌های اجباری، موضع‌گیری‌های اجباری، همراهی‌های اجباری، سکوت اجباری، دروغ گفتن‌های اجباری و... همگی نشان دهنده این واقعیت است که این ناجنیش فمینیستی در واقعیت جامعه ایران، حتی به مرحله انعقاد نطفه نیز نرسید. اما به زور حمایت‌های اجباری در ساحت بازنمایی، اکنون در مرحله تاسیس دولت موقت به رهبری شورای انقلاب قرار دارد!

واضح است که جنبشی که مبتنی بر خیزش سراسری و همراهی عمومی مردم بوده و از متن جامعه برخاسته باشد، نیازی به اعمال خشونت برای همراه سازی مردم ندارد. جنبش‌های مردمی بدون تهدید و ارعاب، بازار را با خود همراه می‌کنند، ارتش را با خود همدل می‌کنند، حمایت اشخاص و چهره‌ها را کسب می‌کنند، توده‌ها و اقشار اجتماعی را در خیابان نگه می‌دارند و... لذا اگر برای همراهی همه اینها از فحش و تهدید استفاده کردیم، یعنی جنبش ما نماینده مردم جامعه نیست.

اما به راستی ارمغان این انقلاب اجباری برای ایران چه خواهد بود؟ انقلابی که برای کسب مشروعیت و توفیق خود دست به اجبار همراه با خشونت و ارعاب مردم می‌زند، آیا در امتداد خود «آزادی» را به رسمیت خواهد شناخت؟ آیا اقلیت مستبد و سنگدلی که برای کسب مشروعیت انقلاب‌شان با فحش و تهدید و خسارت از مردم و نخبگان اجتماعی یارگیری می‌کنند، در هنگام قدرت به حقوق و آزادی‌های اجتماعی مردم التزام خواهند داشت؟ مردمی که در زمانه بی‌قدرتی این اقلیت، برای شادی ملی خود با تمسخر و تعرض مواجه می‌شوند، آیا در زمانه قدرتمندی آنها امکان انتخاب نوع پوشش، برخورداری از عدالت اجتماعی، آزادی بیان و اندیشه و... را خواهند داشت؟! زهی خیال باطل! انقلابی که بنیادهایش بر «اجبار» استوار است، حکمرانی مستبدی نیز خواهد داشت...

غلامعلی سلیمانی

قدرت روبه افول

■ چالمرز جانسون، استاد بازنشسته روابط بین الملل در دانشگاه کالیفرنیا در کتاب آخرین روزهای جمهوری آمریکایی معتقد است: افول قدرت و پرستیژ آمریکا در سال‌های اخیر، نتیجه عملیات ظالمانه و سلطه‌گرایانه امپریالیسم ایالات متحده بوده است. آمریکا ضعیف شده است و به دنبال تناقض‌های داخلی و خارجی از هم فرو خواهد پاشید.

جانسون می‌گوید: ژولیوس سزار قیصر روم، این امپراتوری را بدون آنکه توانایی بیشتری داشته باشد، به سرزمین‌های دور دست بیشتری توسعه داد. خزانه و منابع مادی امپراتوری روم و قدرت معنوی و سیاسی آن، توانایی انسجام و وحدت نظام را نداشت و سرانجام، رفاه و اختیارات شهروندان روم از هم پاشید و امپراتوری روم به عنوان ابر قدرت روی زمین پایان یافت.

امروز نیز وابستگی آمریکا به سیستم و شبکه نظامی – اقتصادی و نیز کنترل افکار عمومی و آزادی‌های مدنی که به بهانه حفظ امنیت داخلی و خارجی و مبارزه با تروریسم، گسترش بیشتری پیدا کرده است، چنان فشار و تناقضی در خود نظام ایجاد کرده است که آمریکا مانند امپراتوری روم یک مسیر سرانشیبی را طی می‌کند.



روبه‌رو هستیم که نه تنها جمهوری اسلامی که روشنفکران هم نمی‌دانند با این شرایط جدید چطور خود را سازگار کنند.

عبدالکریمی یادآور شد: در این جلسه وزیر کشور هم خیلی شنونده خوبی بود و هیچ‌کجا واکنش نشان نداد و شاهد بودم که با جدیت تمام نکات را یادداشت کرد. همچنین بر هدف غرب برای سرنگونی جمهوری اسلامی و جدیت آنان در این زمینه اشاره کرد و بر تلاش‌های داعش، منافقین و سعودی‌ها و اسرائیل در پشت این حوادث هم اشاره داشت.

جمهوری اسلامی است – هرچند که من نمی‌گویم جمهوری اسلامی خطا نداشته یا فرصت‌سوزی نکرده – و اینکه حماقت برخی اپوزسیون به جایی رسیده که از آمریکا می‌خواهند ما را تحریم کنند تا به جمهوری اسلامی ضربه بزنند، دیگر حرف‌های غیرمنطقی و در زمین بیگانه بازی کردن است.

عبدالکریمی با اشاره به دشواری‌های عبور از شرایط اقتصادی فعلی، اظهار کرد: من در این جلسه گفتیم که شرایط ما فعلا قابل تغییر نیست. در دولت آقای روحانی ما به سوی آمریکا دست دراز کردیم که فضا را تغییر دهیم اما آمریکا به جای دست، پایش را برای ما آورد و ترامپ به سهولت از برجام خارج شد.

وی با تأکید بر اینکه این دولت انقلابی هم نمی‌تواند به زودی کار چندانی در زمینه حل مشکلات کشور انجام دهد، اظهار کرد: من مشکلات کشور انجام دهد، اظهار کرد: من در این جلسه بر فقدان یک نظام اندیشگی مناسب، بر شکاف اجتماعی و بر اینکه ما دولت ملت در یک کشور هستیم و بر اینکه در کشور یک میلیتاریسم حاکم است، اشاره کردم.

این استاد دانشگاه تهران تصریح کرد: من در این جلسه گفتیم ما با دومین شکاف تمدنی مواجه هستیم. ما با بی‌شمار بحران فرهنگی

گفت‌وگو با دکتر بیژن عبدالکریمی

فقدان یک نظام اندیشگی

۲۰ نفر در آن جلسه حضور داشتند و خود وزیر کشور هم تمام نکات را مشتاقانه یادداشت کرد. من همیشه چهره منفی از سردار وحیدی داشتم اما آن جلسه نگاه من را تغییر داد و او را آدم پخته‌ای یافتم.

عبدالکریمی با تأکید بر اینکه نتیجه بحث‌ها در این جمع بسیار قابل‌قبول بود، اظهار کرد: من در این جلسه اظهار کردم که مشکلات اقتصادی این کشور به این زودی حل نمی‌شود چرا که زمینه حل آن‌ها وجود ندارد و نه اینکه دولت کنونی نتواند بلکه ساختار اجتماعی و اقتصادی ما اجازه نمی‌دهد که مشکلات به این سرعت حل شود.

وی یادآور شد: همچنین در مورد مسئله برجام هم گفتیم که این امر به این زودی حل نخواهد شد. آمریکا ما را ول نخواهد کرد و کوتاه نخواهد آمد. نظام سلطه با کشور ما جدا مسئله دارد به این دلیل که در زمان شاه ما حیات خلوت آمریکا بودیم و حکومت دینی نداشتیم و در عوض یک حکومت همسو با غرب داشتیم. این استاد دانشگاه تهران تأکید کرد: در کل این صورت مسئله که بگوییم همه‌چیز تقصیر



بسجی، پیش‌رودر تمام خوبی‌ها

خداوند در آیه ۲۳ سوره فاطر می‌فرماید: «سَوْ مِنْهُمْ سَابِقُ بِالْخَيْرَاتِ يَذَنُ اللَّهُ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ»: «و گروهی به اذن خدا در نیکی‌ها (از همه) پیشی گرفتند، و این، همان فضیلت بزرگ است»

مفسرین، «سَابِقُ بِالْخَيْرَاتِ» را به معنی پیشی گیرنده در تمامی خوبی‌ها و نیکی‌ها دانسته‌اند؛ «یعنی پیشی گرفتن در فراگیری علم و دانش، سبقت جستن در تقوی و پرهیزگاری، در عبادت و خدمت به خلق، در جهاد و کوشش، در نظم و حساب، در ایثار و فداکاری، و بالاخره پیشرو بودن در همه‌ی جنبه‌های مثبت زندگی و اعمال نیک». (تفسیر نمونه، ج ۸۱، ص ۵۶۲) همچنین خداوند در سوره واقعه نیز بر این موضوع تأکید کرده و می‌فرماید: «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ {۱۰} أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ {۱۱}»: «و آنها پیشگامان پیشگام و مقربان درگاه الهی هستند».

مفسرین در مصداق «السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ» نیز گفته‌اند که آنها افرادی هستند که نه تنها در ایمان پیشگامند، بلکه در تمامی اعمال خیر و صفات و اخلاق انسانی پیش قدمند، لذا آنها «اسوه» و «الگوی» بشریت هستند، و به همین دلیل مقربان درگاه خداوند متعال می‌باشند». (تفسیر نمونه، ج ۸۱، ص ۳۲)

با دقت در کلام ارزشمند امامین انقلاب

اسلامی، متوجه می‌شویم که تمامی موارد مذکور در دو آیه بیان شده به‌عنوان نشانه‌های فرهنگ بسجی‌گری معرفی شده و ویژگی مهم بسجی را در «پیشرو بودن» در تمام خوبی‌ها دانسته‌اند؛

چنانچه رهبر فرزانه انقلاب در دیدار بسجیان در پنجم خرداد ۱۳۸۴ شمسی فرمودند: «بسجی یک فرهنگ است و اگر بخواهیم این فرهنگ را در یک جمله تعریف کنیم، باید بگوییم (بسجی بودن یعنی) پیشرو بودن در همه عرصه‌های اساسی زندگی...»؛ معظم‌له در بخش دیگری نیز فرمودند: «بسجی‌ها، واقعا بهترین جوانانند که در میدان علم و دین و جهاد، پیشرو هستند؛ در کجا چنین جوانانی را سراغ داریم؟»

و در ادامه فرمودند: «در (بین) همه نیروهای فرهنگی و هنری، و نیروهای علمی و فکری، این نیروی عظیم بسجی مردمی، می‌تواند پیشرو باشد؛ چون جوان است، چون با نشاط است، چون از متن مردم است...»؛ رهبر حکیم انقلاب، در فرازی دیگری از سخنان گهربار خود امیرالمؤمنین (ع) را به‌عنوان «الگوی پیشرو» برای جوانان و بسجیان معرفی نموده و فرمودند: «شما امیرالمؤمنین (ع) را فقط به‌عنوان یک چهره درخشان در دوران چهل سالگی و پنجاه سالگی و شصت سالگی نبینید؛ درخشش آن حضرت در دوران جوانی، همان الگوی ماندگاری است که همه جوانان می‌توانند آن را سرمشق خودشان قرار دهند؛ حضرت در دوره جوانی در مکه، یک عنصر فداکار، یک عنصر با هوش و یک جوان فعال و پیشرو و پیشگام بودند؛ در همه میدان‌ها، مانع‌های بزرگ را از سر راه پیامبر(ص) برمی‌داشتند؛ در میدان‌های خطر، سینه سپر می‌کردند و سخت‌ترین کارها را بر عهده می‌گرفتند؛ با فداکاری خود، امکان هجرت پیامبر(ص) به مدینه را فراهم کردند و بعد در دوران مدینه، فرمانده سپاه، فرمانده دسته‌های فعال، عالم، موشمنند، جوانمرد و بخشنده بودند؛ در میدان جنگ، سرباز شجاع و فرمانده پیشرو؛ در عرصه حکومت، یک فرد کارآمد؛ در زمینه مسائل اجتماعی هم یک جوان پیشرفته به تمام معنا بودند...».

پیر خردمند انقلاب در ادامه «شهدا و ایثارگران» را به‌عنوان بهترین الگوی پیشرو بودن در جهان معاصر معرفی نموده و فرمودند: «شهدا، پیشرو و پیشگام بودند؛ و در سگر دوم، خانواده‌های شهیدان و ایثارگران؛ آنها جلو رفتند، مانع‌ها را از سر راه برداشتند و توانستند یک ملتی را که چند قرن او را به بی‌حالی و تسلیم در مقابل زورگویان عادت داده بودند، تبدیل کنند به یک ملت بانشاط، سرافراز، پرافتخار و با عزم و اراده‌ی مستحکم و راسخ...»؛ و بالاخره در معرفی بسجی‌ی واقعی، فرمودند: «هریک از آحاد قشرهای مختلف جامعه که دارای روحیه حساس مسئولیت و ایمان باشد، بسجی است؛ بسیاری از پیشرفت‌ها و موفقیت‌های نظام اسلامی در عرصه‌های مختلف مروهون همین تفکر بسجی است؛ بسجی یعنی حضرت علی (ع) که (در همه عرصه‌ها پیشتاز بودند و) تمام وجودشان را وقف اسلام کردند».

هواداری نیست و امید برای پیروزی‌های بعدی را به همراه دارد. به وسیله هواداری از تیم فوتبال است که افراد پراکنده، متحد می‌شوند. تیم‌های فوتبال محوری هستند که هواداران را گرد هم آورده و یک هویت جمعی به وجود می‌آورند.

جام جهانی که با حضور تیم ملی قوی‌ترین کشورهای جهان برگزار می‌شود، هویت و اراده ملت‌ها را به نمایش می‌گذارد. اول اینکه راهیابی به جام جهانی، به خودی خود، یک موفقیت تلقی می‌شود و حس برتری نسبت به سایر ملت‌ها را به مردم القا می‌کند. این حس خوب، هویت ملی را تقویت می‌کند.

دوم اینکه حمایت و هواداری از تیم ملی، گسترده‌ترین و فراگیرترین «هویت جمعی» را شکل می‌دهد. هواداران تیم‌های قرمز، زرد و آبی، به یکدیگر به‌عنوان رقیب نگاه می‌کنند. گاه این رقابت‌ها رنگ خصومت هم می‌گیرد. اما زمانی که بازیکنان تیم‌های داخلی در کنار هم، در تیم ملی بازی می‌کنند، مورد حمایت همه مردم با گرایش‌های مختلف قرار می‌گیرند. تیم ملی نماینده اراده عمومی مردم است و همه گرایش‌ها و سلیقه‌ها بر حمایت و هواداری از آن اتفاق نظر دارند.

در یک جامعه پویا، هم رقابت وجود دارد و هم اتحاد. رقابت و خصومت بی‌پایان، جامعه را نابود می‌کند. بالاخره جایی و نقطه‌ای باید باشد که از آنجا به بعد، مردم اختلاف‌ها را کنار بگذارند و همدل شوند. تیم ملی، همان نقطه و جایگاه است که هواداران تیم‌های مختلف را گرد خود جمع می‌کند و اتحاد ایجاد می‌کند. تیم ملی، صرفاً نماد اتحاد و همبستگی ملی است و اراده عمومی را نمایش می‌دهد. تیم ملی، هرگز نباید به ابزار رقابت سیاسی و بیان اختلاف‌نظرها تبدیل شود.

تیم ملی، اراده ملت را به نمایش می‌گذارد که حاضر است برای دفاع از وطن با سایر تیم‌ها به مصافشان برود. درست است که زمین فوتبال، میدان جنگ نیست، اما نمادی است از اینکه ملت، حاضرند برای نام و شرف تا پای جان بجنگند که در این مسیر ممکن است شکست هم متحمل شوند. همان‌طور که در مسابقه‌های فوتبال جام‌جهانی نیز شکست‌ها و پیروزی‌ها وجود دارند؛ اما مهم این است این پیام ارسال شود که یک اراده مستحکم و یک هویت واحد با یک پرچم حضور دارد و اگر بارها و بارها هم شکست بخورد، حاضر نیست دست از تلاش بردارد و در مسابقه‌های بعدی برای پیروزی می‌جنگد.

اگر فکر و اندیشه‌ای وجود داشته باشد که به هویت متحد زیر پرچم تیم ملی هم تن ندهد، به مرتبه‌ای از خودخواهی و دیکتاتوری مبتلا شده که جز به نابودی رقیب راضی نخواهد شد. فقط نگاه فاشیستی است که نمی‌تواند هیچ نقطه مشترکی با تفکرهای سیاسی پیدا کند. این تفکر و اندیشه نمی‌تواند هرگز زندگی و آزادی برای مردم فراهم کند و آبادی را برای میهن به ارمان آورد؛ حتی اگر در و دیوار را با این شعارها سیاه کرده باشد.

تیم ملی نمایش «هویت جمعی» یک ملت



نوشتاری از دکتر محسن ردادی عضو هیات علمی گروه مطالعات انقلاب اسلامی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

فوتبال از شکفت‌انگیزترین پدیده‌هایی است که بشر

در دوره جدید اختراع کرده است. بازی فوتبال این ظرفیت را دارد که خواست و اراده شهروندان را نمایندگی کند.

وقتی تیم فوتبال به میدان می‌رود، طرفداران احساس می‌کنند که به نمایندگی از تک‌تک آنان در حال مسابقه است. به همین دلیل با تمام وجود لحظه‌های بازی را دنبال می‌کنند و گویی «جمعیت هوادار» است که با بازیکنان حریف روبه‌رو می‌شود. به همین دلیل همان هیجانی را که بازیکن فوتبال در مستطیل سبز احساس می‌کند هواداران هم تجربه می‌کنند.

فوتبال، هویت‌ساز است. برای بسیاری از مردم، بخش مهمی از هویت‌شان، به تیم فوتبال مورد علاقه آنان برمی‌گردد. اگر بخواهند خود را معرفی کنند، حتماً یکی از ۱۰ جمله اول‌شان مربوط به وابستگی آنان به تیم خاص فوتبال است؛ من طرفدار تیم آبی هستم یا قرمز یا زرد. همین نوع معرفی، برای بسیاری از مخاطبان کافی است و اشتراک نظر و همدلی ایجاد می‌کند که آغاز یک رابطه باشد.

هواداری از یک تیم، کارکردگرایانه نیست بلکه امری هویتی

تفسیر موضوعی قرآن کریم



معنای (حریت) از منظر دین

وقتی «حریت» و «آزادی» را که از مبانی پذیرفته شده جوامع انسانی است می‌خواهند تفسیر کنند، تفسیر علمی‌اش از آزادی به همان رهایی است که هر کس هر چه خواست بکند، مادامی که مزاحم آزادی و حق دیگران نباشد. اما وقتی دین حریت را معنا می‌کند، می‌گوید: حریت و آزادی غیر از بی‌بندوباری و غیر از رهایی است. آزاد کسی است که از بند حرص و شهوت برهد.

وجود مبارک امیرالمومنین (سلام الله علیه) وقتی آزاد را و انسان آزاده را معنا می‌کند، می‌فرماید: «لا حرّ يدع هذه المماظة» (نهج البلاغه / حکمت ۴۵۶) آیا یک انسان آزاده‌ای هست که از این مانده لای دندان نسل گذشته بگذرد؟! چون همه لذایذی که الان بشر به آنها افتخار می‌کند، قبلاً در اختیار نسل گذشته بود، آنها استفاده کردند و خوردند و لای دندان‌شان مانده بود و مردند و از لای دندان نسل قبل به ماها رسیده است. اگر میز و پُست و مقام است، اینچنین است؛ اگر باغ و راغ است، اینچنین است؛ اگر خانه و فرش است، اینچنین است؛ چیزی نیست که مانده لای دندان نسل قبل نباشد! یک انسان آزاد آن است که از این بند برهد، خود را ارزان نفروشد. بین این تفسیر از حریت با آن تفسیر از حریت خیلی فرق است!

از سوی مجمع عالی علوم انسانی اسلامی برگزار می‌شود؛

فراخوان هفتمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی

هفتمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی با

هدف گفت‌وتمان‌سازی، تولید علم و نظریه‌پردازی، تضارب اندیشه‌ها و ارتباط مستمر با جامعه‌ی علمی، آبان ۱۴۰۲ در ایران برگزار می‌شود.

فراخوان هفتمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی منتشر شد. مهلت ارسال چکیده مقاله تا ۱۵ اسفندماه امسال مهلت ارسال اصل مقاله تا ۱۳ مرداد ۱۴۰۲ خواهد بود. متن این فراخوان بدین شرح است:

این فراخوان با هدف گفت‌وتمان‌سازی، تولید علم و نظریه‌پردازی، تضارب اندیشه‌ها و ارتباط مستمر با جامعه‌ی علمی، هفتمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی، آبان ۱۴۰۲ در ایران و در محورهای کلی ذیل برگزار می‌شود:

محورهای میان‌رشته‌ای:

فلسفه و روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی

مدیریت تحول علوم انسانی

تمدن نوین اسلامی

قرآن و علوم انسانی

آینده پژوهی علوم انسانی

محورهای رشته‌ای:

اقتصاد اسلامی

تعلیم و تربیت اسلامی

ارتباطات و جامعه‌شناسی اسلامی

روانشناسی اسلامی

علوم سیاسی اسلامی

فقه و حقوق اسلامی

مدیریت اسلامی

معماری و شهرسازی اسلام

تلاش دبیرخانه کنگره آن است که مقالات پذیرفته شده، قبل از انتشار در مجموعه مقالات کنگره، در مجلات علمی پژوهشی منتشر شود. به عنوان مثال فصلنامه‌ی «تحقیقات بنیادین علوم انسانی» وابسته به مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا و مجمع عالی علوم انسانی اسلامی یکی از مجلات مرتبط با دبیرخانه‌ی کنگره است. در طول دوره‌ی فراخوان، مقالات ارسالی حداکثر تا سه ماه تعیین تکلیف می‌شوند و بلافاصله به مقالات پذیرفته شده گواهی اعطا خواهد شد.

ارسال مقاله فقط از طریق سایت کنگره امکان‌پذیر است و مقالاتی که از طریق ایمیل ارسال شوند، بررسی نخواهند شد.



اذیت و آزار دانشجویان مسلمان در دانشگاه‌های مسیحیان نیجریه

■ انجمن حمایت از حقوق مسلمانان نیجریه در بیانیه‌ای اعلام کرد که دانشجویان مسلمان در دانشگاه‌های خصوصی مسیحیان با قوانین نژادپرستانه روبرو هستند.

در این بیانیه آمده است دانشجویان مسلمان در این دانشگاه‌ها نه تنها جایی برای اقامه نماز ندارند بلکه طبق قوانین دانشگاه مجبور هستند در مراسمی که در کلیسای دانشگاه برگزار می‌شود شرکت کنند. نکته قابل توجه این است که این دانشگاه‌ها نشانی از مسیحیت در نام و مشخصات خود ندارند و دانشجویان مسلمان پس از ورود در طول سال تحصیلی با قوانین خاص این دانشگاه‌ها مواجه می‌شوند. در مقابل اعتراض دانشجویان، مسئولین این دانشگاه‌ها مدعی شده‌اند که این مراکز خصوصی هستند و قوانین مربوط به خود را دارند.

طبق این بیانیه، این اقدام دانشگاه‌های مسیحی خلاف نص صریح قانون اساسی نیجریه است. شایان ذکر است که مسلمانان اندکی بیش از ۵۰ درصد از جمعیت نیجریه را تشکیل می‌دهند، در حالی که مسیحیان حدود ۴۵ درصد جمعیت را شکل می‌دهند.



تعطیلی مدارس اسلامی در اروپا

■ به‌رغم اینکه مدارس اسلامی در رتبه‌های بالای تحصیلی در سوئد قرار دارند، دولت این کشور آنها را یکی پس از دیگری به بهانه مبارزه با خصوصی سازی آموزش تعطیل می‌کند.

در اوایل سال جاری، وزیر وقت آموزش و پرورش سوئد در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت که دولت او لایحه‌ای را با هدف «ممنوعیت ایجاد مدارس مذهبی مستقل» ارائه کرده است.

به گفته فعالان حقوق بشر، هدف این قانون دقیقاً مدارس اسلامی است و انگیزه تعطیلی چنین مدرسی به هیچ وجه عملکرد ضعیف تحصیلی نیست - برعکس، مدارس اسلامی از نظر شاخص‌های تحصیلی جزو بهترین‌ها هستند. فعالان حقوق بشر بر این باورند که این لایحه دارای پیشینه اسلام هراسی است.

رئیس مدرسه مستقل مسلمانان در حومه راگسود استکهلم، به خبرگزاری آنا تولی گفت: حدود ۲۰ مدرسه که خود را به عنوان اسلامی یا متعلق به مسلمانان طبقه‌بندی می‌کنند در حال بسته شدن هستند و تنها سه مدرسه فعال باقی مانده است.

تصمیم بازرسی برای تعطیلی این مدارس بر اساس گزارش سرویس امنیت داخلی سوئد (OPAS) با ادعای رابطه این

مدارس با گروه اخوان المسلمین و برنامه‌های مخفیانه و تروریستی است.

به گزارش آنا تولی در فرانسه نیز رسانه‌های محلی فرانسه گزارش دادند دو مدرسه اسلامی و مسجد موجود در یکی از این مدارس در شهر مونپلیه در جنوب فرانسه تعطیل شدند. به گفته فرماندار این منطقه، این مدارس غیرقانونی بودند و مسجد بدون مجوز فعالیت می‌کرد.

این در حالی است که حدود ۲۵ مسجد نیز در این کشور به دلایل مختلف تعطیل شده‌اند.

گزارش اسلام‌هراسی اروپایی مربوط به سال ۲۰۲۱ که چند ماه پیش منتشر شد، می‌گوید قانون جدید «که قرار است پاسخی قوی علیه «تروریسم» و «اسلام رادیکال» ارائه کند، در واقع باعث سرکوب شدید مسلمانان شده است.

این گزارش فرانسه را به عنوان یکی از نقاط اصلی نفرت ضد مسلمانان و حوادث اسلام هراسی در این قاره معرفی کرده است.

در این گزارش آمده است: «اسلام هراسی در فرانسه در درجه اول نتیجه دولتی است که به دنبال ایجاد «اسلام فرانسوی» است که تعیین سرنوشت را از مسلمانان فرانسوی سلب می‌کند تا آنها را «مسلمانان بدون اسلام» بسازد.

عادی سازی با اسرائیل با طعم «هولوکاست»!

■ روزنامه «تایمز اسرائیل» فاش کرد، امارات در اقدامی با هدف «مقابله با گسترش فرهنگ انکار کشتار یهودیان توسط نازی‌ها در طول جنگ جهانی دوم» آنچه به اصطلاح «هولوکاست» خوانده می‌شود را در برنامه‌های آموزشی خود گنجانده است.

امارات تنها چند ماه پس از انعقاد توافقنامه عادی سازی میان دو طرف، اولین نمایشگاه را برای یادبود "هولوکاست" در دبی افتتاح کرد و از آن زمان هفت تن از نجات یافتگان در حوادث ادعایی به ابوظبی دعوت شده‌اند تا در مورد "رسوایی‌های کشتار انجام شده توسط نازی‌ها" صحبت کنند.

این روزنامه افزود: موسسه نظارت بر صلح و آشتی فرهنگی در آموزش مدارس (IMPACT-se)، که مقر آن در لندن و تل آویو قرار دارد، با وزارت آموزش امارات همکاری می‌کند تا برنامه درسی جدیدی را تهیه کند که در دسترس دانش آموزان باشد.

به نوشته تایمز اسرائیل، سازمان صهیونیستی "یاد وشم" با وزارت فرهنگ و جوانان امارات برای تدوین برنامه درسی "بزرگداشت هولوکاست" همکاری می‌کند.

این روزنامه به نقل از مارکوس شیف، مدیر عامل موسسه گفت، برنامه درسی در امارات بسیار بهتر از امثال آن در سایر کشورهای منطقه بود زیرا هیچ مدرکی برای نفرت ارائه نکرد. به گفته وی، برنامه های درسی امارات عاری از "یهود ستیزی" است و "جایگاه تاریخی یهودیت در جهان عرب" را به رسمیت می‌شناسد.

ممنوعیت فعالیت کلیسای ارتدوکس روسیه

■ ارائه پیش‌نویس قانون ممنوعیت فعالیت کلیسای ارتدوکس روسیه و نهادهای دینی ایران به رادای عالی اوکراین.

لایحه‌ای برای ممنوعیت فعالیت کلیسای ارتدوکس روسیه در خاک اوکراین به پارلمان (رادای عالی) ارائه شده است. به گزارش کومرسانت، حزب همبستگی اروپایی این پیشنهاد را ارائه کرده است.

پیش‌نویس این قانون خاطرنشان می‌کند که فعالیت‌های سازمان‌های مذهبی ارتدوکس روسیه در اوکراین باید با نظر دولت اوکراین و با ملاحظه استقلال رسمی اعطا شده به کلیسای ارتدوکس اوکراین انجام شود.

همچنین این قانون ممنوعیت کامل فعالیت‌های تشکلی و نهادهای مذهبی را که به هر شکلی زیرمجموعه جمهوری اسلامی ایران هستند، پیش‌بینی کرده است.

پایان مقاومت، آغاز حکمت

■ آنگاه که دیوید فروم، عضو کمیته نگارش نطق‌های جورج بوش، مامور به تهیه متن سخنرانی معروف به «محور شرارت» شد دو نکته اساسی را پیش چشم داشت.

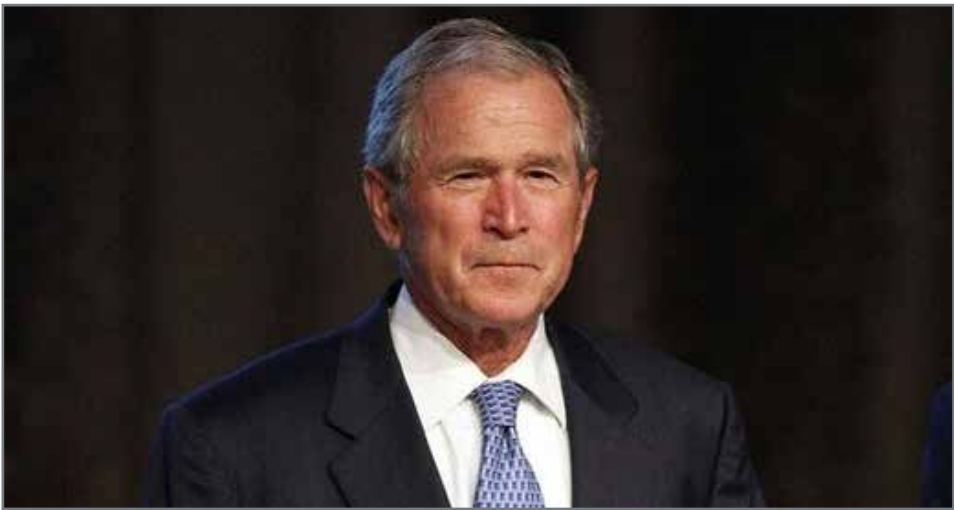
نخست اینکه با تعبیر «محور» (Axis) در برابر «ائتلاف» (Ally) تقابل طرفین جنگ دوم جهانی را زنده کند؛ و دوم آنکه با مفهوم «نفرت» (Hatred) ذات سلبی این محور را به رخ بکشد. کاخ سفید هر چند نهایتاً تعبیر گل‌درشت «شرارت» را جایگزین «نفرت» نمود، به نظر می‌رسد فروم بر اساس دیدگاه هوشمندانه‌تری تعبیر نفرت را گزیده بود. در واقع آن زمانی که ما در صدد واکنش به نطق بوش برآمدم، تعبیری نزدیک به آنچه فروم اراده کرده بودیم را برای انعکاس هویت خود علم کردیم: «محور مقاومت».

زمان نشان داد واژه‌ها چقدر می‌توانند نیرومند باشند. همچون عصری که خط برلین - رم جغرافیای تغییر ثقل قدرت در جهان تصویر می‌شد، ما نیز گرفتار یک خط پیوستار مکان‌مند برای بازنمایی خود شدیم؛ جغرافیایی که از خراسان تا شام امتداد می‌یافت و با دولت یهود مماس می‌شد تا آپوکالیپس موعود ما را تحقق بخشد. این شرطیت مکانی، خود علت و معلول فروکاست هویت متافیزیکی ما، به تعیین فیزیکی روی خطوط مختصات شد. دول محور نیز چنین بودند؛ واکنشی مکان‌مند به ایدئولوژی‌های سیال و جهان‌شهری کمونیسم و لیبرالیسم؛ خیانت اکزیستانسیالیسم به سوژگی برای نجات از امواج

سهمگین قدرت بیناسوژه‌ای، زبان‌مند و مرزافکن؛ کوششی بی‌ثمر برای بندآوردن تعاطی واژه‌ها و گره‌خوردن به کیفیت‌های ابرکتیو همچون نژاد و خاک. این دقیقاً همان مسیر بن‌بست است که ملی‌گرایی پسالستعماری نیز قدم در آن گذاشت و امروز نیز ما و شرق در آستانه کرانه آن ایستاده‌ایم. گسستگی‌های جهان ماده برای طرف‌های بازنده تنازع بشر، دژهایی طبیعی می‌سازد که پشت آن می‌شود از تهاجمی که در جهان معنا در جریان است مصون ماند. همین‌جاست که مفهوم مقاومت سربرمی‌آورد. ایستادن پاسخی در برابر ضربه است؛ استمداد از لختی جرمناک زمین در برابر تکانه امواج ذهن سپهر (Noosphere). اما نقطه قوت این وضعیت، دقیقاً نقطه ضعف آن نیز هست. نیروهای محلی زمانی که پنجره فرصت به روی آنها باز می‌شود، و از پایگاه‌های مقاومت خود پای به جهان‌شهر می‌گذارند، تازه متوجه می‌شوند آمیختن فرزندان گسستگی چه دشوار است. از بیگانگی سلبی با غرب، به یگانگی اجباری با یکدیگر نمی‌توان رسید؛ شیعه بغداد و پارس اربیل و فلسطینی یرموک و بعثی دمشق گواه این مطلبند. هویت‌گرایی شمشیر دولبه است.

انقلاب ۵۷ از ابتدا دچار وسوسه هایدگری بود و کاتالیست جنگ به‌زودی عوارض آن را آشکار کرد. ایده انقلاب آمریکا از پاریس جهانگیر شد. انقلاب طهران اما فرصت پیشاور را به هویت ملی - مذهبی باخت. چشمه سیال انقلاب، البته پرمایه‌تر از آن است که خشکیده باشد. انقلاب علوی ناگزیر قوس صعود

خود را طی می‌کند و از قم به کرخ و از آن به کوفه و از عراق به مدینه باز می‌گردد و طلسم سقیفه را می‌شکند. رسالت انقلابی ما در این مسیر، فرابردن بشر از طلب آزادی است تا طلب رستن و رستگاری. آزادی دستاویز دست نامرئی بازار شده است و مشت گره کرده خلق، بسته به اینکه تن‌ها میلشان به کام باشد یا به کین، قبله سوی غرب و شرق می‌گردانند. در این میان قوه عقل است که مغلول و مغلوب شهوت و غضب شده است. وارثان زمین نخست باید از خود تنیده در زمین رسته باشند؛ «قالوا کنا مستضعفین فی الأرض! قالوا أ لم تکن أرض الله واسعة فتهاجروا فیها؟» منت و تمکن قدسی با تناقل در برابر تجند فرعون و تکثر قارونی حاصل نمی‌شود. بدون حرکت و نفر، مستضعفین و مستکبرین در یک صف «موقوفون عند



رهبم» هستند. تمامیت ارضی طاغوت جز با ائتلاف اهل کتاب و حکمت شکسته نمی‌شود و این ائتلاف نه قومیت می‌شناسد و نه سرزمین و نه حتی مذهب. حکمت مجرد و بی‌هویت است؛ ای بسا در سینه کفر و نفاق ودیعه باشد «فتلجج فی صدره حتی یخرج». حکمت آنگاه که با ملک همراه شود، برای گشودن زمین است و نه صد سیل «ابعث لنا ملکا... و قد أخرجنا من ديارنا». تشدید ملک ملازم اتیان حکمت است و نه مستبق بر آن.

باری! «ائتلاف حکمت» را باید دیر یا زود، قابله‌ای از رحم «محور مقاومت» بیرون بکشد. شاید نخستین مقدمه آن رستن ما از دوگانه توسعه و عدالت در داخل، و استبداد و استعمار در خارج باشد. والعجب کل العجب بین الجمادی و الرجب!



وار: فناوری حکمرانی عادلانه

چندی است که ادبیات رایج بسیاری از اندیشمندان، اصلاح فرایند حکمرانی است و در این چارچوب شاخصهایی نیز مطرح گردیده است.

عدالت، شفافیت، پاسخگویی، مشارکت و ... از جمله این شاخصهاست که هر نظام سیاسی و اجتماعی را دعوت و توصیه به اصلاح درونی ساختارها و فرآیندهای خود می کند.

این روزها و با برگزاری موفق بازی های جام جهانی، یکی از مهمترین موارد قابل توجه در روند مسابقات، بهره مندی کامل و مناسب از فناوری RAV (کمک داور ویدیویی) است که در چند بازی قطعا نقش اثرگذاری داشته و چندین گل را باطل و چند پنالتی را تایید کرده است. از جمله اخراج دروازه بان ولز در بازی با ایران که با اشتباه داور تنها به کارت زرد بسنده شده بود و با فناوری

جدید به سود ایران و نهایتا پیروزی ما خاتمه یافت. کمتر کسی است که از یاد برده باشد که تا چندی پیش یکی از مهمترین محورهای مورد بحث فوتبالی، حق کشی یا تبعیضات ناروا در مورد برخی تیم ها یا بازیکنان برجسته بود که تیم هایی چون ایران را نیز درگیر کرده و بحث دشمنی با آن از سوی نهادهای کشورهای مختلف مطرح و گاه اشتباه داوران به حساب وابستگی آنان به دشمنان نظام و... گذاشته می شد.

حضور وار در مسابقات جهانی و حتی داخلی را می توان یک الگوی نوین حکمرانی عادلانه در فوتبال تحلیل کرد که با فراهم کردن بستر فناورانه شفافیت و پاسخگویی مناسب، عدالت را در میدان، عملی می کند و حسرت تبعیض و تصمیم به سود صاحبان قدرت یا برعکس را به کمترین میزان ممکن می رساند و تنش را در میدان رقابت و عرصه اجتماعی به سرعت کاهش داده و تصمیمات را خردمندانه و آسیب های پس از آن را به کمترین حد ممکن می رساند.

جامعه نیز چیزی متفاوت از همین میدان مسابقه نیست؛ عرصه ای از رقابت ها و تنش های تبعیض آمیز میان افراد، گروه ها و نهادهای گوناگون که می تواند عدالت را به یک آرزوی دست نیافتنی تبدیل کند.

این عرصه برای اصلاح فرایند، خود نیازمند بهبود شرایط حکمرانی و بهره مندی از یک «وار» است.

امروزه با گسترش فناوری های پیشرفته، بهترین و در دسترس ترین ابزارهای حکمرانی عادلانه فراهم شده که در صورت وجود اراده ای برای اصلاح حکمرانی می توان به سرعت، شفافیت و پاسخگویی و مشارکت عمومی را احیا و اصلاح کرد.

۳. شکست پروژه «دوقطبی سازی مذهبی - غیرمذهبی» که با حضور اقشار مختلف و متنوع مردم از جمله روحانیون و طلاب و قشر به اصطلاح ارزشی و حتی پلیس امنیت در کنار مردم و برای ایران با لبان خندان رقم خورد.

۴. شکست دکترین نفرت و آنفولاتزای نیورپورکی که طی دوماه اخیر پخت و پز شده بود(ایرانی مقابل ایران و ایرانی و...) و با یک برد شیرین همراه با حمایت پرشور مردم روی سکوها و داخل خانه ها و همچنین حضور خودجوش، بدون فراخوان و پرتنوع مردم در خیابان ها صورت گرفت.

۵. شکست محاصره تبلیغاتی منفی، متراکم، فیک، یاس آور و سیاه بیگانه با تغییر خط خبری داخلی و بین المللی بسمت پیروزی و شادی ایران(طی دوماه اخیر با حدود چهل هزار خبر دروغ، افکار عمومی را تحت بمباران خبری - تحلیلی قرار داده بودند).

۶. شکست پروژه کثیف و موزیانه هویت ستیزی ذیل تحقیر نمادهای ملی و مذهبی با سرودی که در ابتدای بازی خوانده شد و سجده شکر که در انتهای بازی شاهد بودیم. تلاش بر این بود که از مسیر تحقیر و تضعیف نمادها، وجوه معرفتی را ترور کرده و ابعاد هنجاری را به انزوا و حذف نزدیک کنند. برد امروز یک ری بردننگ مختصر از نمادهای ملی و مذهبی بود.

۷. شکست پروژه ناامن سازی، آتارشیسم، آشوب و القای فضای دهه شصتی برای ایران که این شادی فوتبالی سراسری، یکدست و مردمی، بعنوان خط شکن این ماجرا عمل کرد. (ترورهای اخیر در صدد ساخت تونل وحشت از خیابان ها بود).

۸. شکست جولان فیک نیوزها بر آسمان ذهن و روان مردم و افشای فریب و دروغ بزرگی بنام حمایت از مردم ایران، با رقص و پایکوبی بعد از باخت مقابل انگلیس و سکوت و بایکوت بعد از برد تیم ملی که استوری برخی از بازیکنان تیم ملی و کنشگری سرمربی پرتغالی مان در خط مقدم جنگ روانی فوتبالی این چند روز اخیر که bbc در راس آن قرار داشت، حاکی از این ماجراست.

شاید در برخی بندها اندکی اغراق هم چاشنی سخن شده باشد ولی هدف این است که نسبت به ظرفیت های محیطی، ابزارهای مدرن و وجوه بین المللی در جنگ های هیبریدی امروزی غافل نشویم. برد امروز از هر جهت شیرین بود. هم بخاطر متن فوتبالی و هم به خاطر فرامتن های فراگیرش ...



یک بُرد فوتبالی وهشت شکست فرافوتبالی!

علیرضا محمدلو، مدرس رسانه و پژوهشگر علوم اجتماعی

با در نظر گرفتن این دیدگاه به ظرفیت های پدیده مدرنی چون فوتبال، به خوانش نتایج و پیامدهای برد شیرین امروز ایران مقابل ولز در جام جهانی ۲۰۲۰ می پردازیم.

۱. شکست ماریچ سکوت مهندسی شده با لیدری برخی سلبریتی ها که قهر مردم ایران!! از تیم ملی ایران را القا می کردند که با حضور شاد مردم در میدان شهرها مهیا شد. (انرژی متراکم و دعای وسیع مردم به ذهن و قلب فوتبالیست ها منتقل شد).

۲. شکست فیلترینگ حبابی برساخته (قبل از بازی القا می شود که مردم سوگوارند بعد از بازی دیکته می شود که مردم خوشحالند) با لیدری سعودی نشنال و رفقای لندی، سعودی و آمریکایی اش که مردم را در مجازی گروگان گرفته بودند و فرکانس غم و شادی مردمی را تنظیم دستی می کردند. (استوری سعید عزت الهی نشان داد که فیلترینگ حبابی تاحدودی شکسته شده).

■ فوتبال در عصر حاضر، بزرگترین نماد صنعت - فرهنگ و سرگرمی محسوب می شود. از طرفی نیز بارها از شعار فوتبال عاری از سیاست سخن گفته شده اما مدعیان این شعار برای همجنسبازی هشتگ، ترند کرده اند و روسیه را از مسابقات تحریم کرده اند و البته برای محکوم کردن نژادپرستی، زاتوهای نمایشی بر زمین چمن کوبیده و برای مرگ جورج فلوید، یک دقیقه! سکوت کرده اند.

■ این فوتبال نشان داده که در مقابل واقعیت های روز، بی تفاوت نبوده و علاوه بر وجه سرگرمی، ظرفیت دیپلماتیک داشته و یک زبان - گلوبال (فراگیر) در خدمت معانی و سیاست های کانالیزه شده قرار می گیرد. (مثل اینکه برای انفجار در فرانسه سیاه بیوشد ولی در قبال بمباران یمن و فلسطین و... سکوت موزیانه و کاملا سیاسی اتخاذ کند).



یادداشت مهدی قزلی بعد از برد تاریخی ایران مقابل ولز

افتخار به ایران

ولی دعا کن ببریم. به نظرم این جمله آن هموطن از دعایی که من می توانستم بکنم، دعای بود و مستجاب تر. بازی هنوز شروع نشده بود که ورزشگاه یکسره ایران ایران شد. ولزی ها جیک نمی زدند. تیمها که وارد شدند ورزشگاه منفجر شد. بازی که شروع شد معلوم مان بود که این بچه ها آمده اند جبران کنند، نتیجه را و اعتبار را.

نتیجه اتحاد و همدلی و تلاش و ارنج خوب جلوی چشم مان بود. با این تیم و با این جو می شد تا آخر دنیا بازنده بود و خجالت نکشید. ما بازنده هم نبودیم، دو گل زدیم و سه گل هم نزدیک. بعد که از ورزشگاه بیرون آمدیم آشنا و غریبه همدیگر را بغل کردیم و کف دستهای مان را به هم کوبیدیم. هنوز بعضی های مان با هم اختلاف نظر داشتیم ولی همه ایرانی بودیم.

حالا دیگر می توانم توی خیابانهای دوحه قدم بزنیم و با مردم دنیا شوخی و گفتگو کنیم و آخرش بگوییم: وی آر فرام ایران!

بعد از بازی اول در برابر انگلیس ما در قطر و دوحه می گشتیم ولی بیشتر با سکوت. خودمان را ایرانی کمتر معرفی می کردیم، بخشی از آن طبیعی بود، شش تایی شده بودیم و هیچ کس دوست ندارد شش تایی شود. اما باید روراست باشیم، ما به خاطر باخت فوتبال پنهان نمی شدیم، ما به خاطر اینکه خودمان را یک ملت متحد و مقتدر نشان نداده بودیم، خجالت می کشیدم.

امروز و از ابتدای بازی با ولز همه چیز عوض شد. بازیکنان تیم ملی تصمیم گرفتند از حیثیت حرفه ای خودشان دفاع کنند. به نظرم مردم هم تصمیم گرفتند اختلافات را بین خود نگه دارند و ایران باشند، ایران یک صدا. در ورزشگاه و نیم ساعت قبل از بازی از یک ایرانی که کنارم نشسته بود و با ریفش برنامه می ریخت که بعد از بازی کجا بروند برای عیش و نوش، آب خواستم برای وضو، با تعجب گفت می خواهی اینجا نماز بخوانی؟ منتظر جوابم نماند، بطری آب را سمتم گرفت و گفت: بخوان...



شرایط دریافت «هدیه ازدواج» تامین اجتماعی

بیمه شدگان سازمان تأمین اجتماعی در صورت برخورداری از شرایطی، می توانند هدیه نقدی بالاغوضی به مناسبت ازدواجشان از این سازمان دریافت کنند که معادل یک ماه حقوق مبنای کسر حق بیمه است. کمک هزینه ازدواج به بیمه شدگان اجباری واجد شرایط که برای بار اول تشکیل خانواده می دهند، پرداخت می شود.

بیمه شدگان تأمین اجتماعی که سال های قبل ازدواج کرده اند و در زمان ازدواج شرایط فوق را داشته اند و کمک هزینه مذکور را دریافت نکرده اند، می توانند برای دریافت آن اقدام کنند.

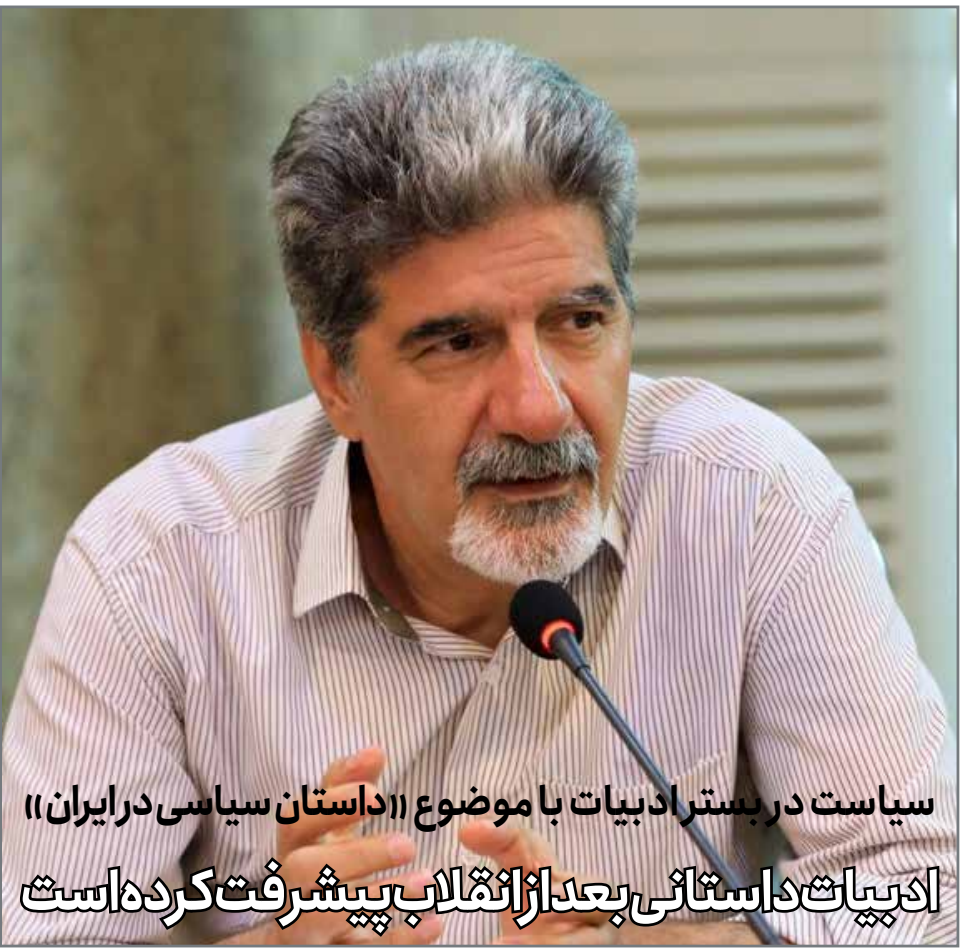


■ از سلسله نشست‌های سیاست در بستر ادبیات با موضوع «داستان سیاسی در ایران» به همت کانون اندیشه جوان برگزار شد.

محمد حنیف نویسنده و پژوهشگر حوزه ادبیات داستانی در این نشست با اشاره به تاریخچه سیاست در ادبیات گذشته، اظهار داشت: سیاست در ادبیات گذشته ما پیشینه عمیقی دارد. در بسیاری از آثار ادبیات کهن مانند نصایح الملوکات و حتی بسیاری از مثنوی‌ها مانند گلستان سعدی و اثر ماندگار حافظ تأثیر سیاست وجود دارد. بسیاری از بزرگان با تعریف داستان سیاسی موافق نیستند و آن را قبول ندارند به همین خاطر در فرهنگ‌های ادبیات داستانی تعریفی از داستان سیاسی آورده نشده در حالی که نویسندگان برجسته‌ای وجود دارند که به این مسئله پرداختند و در بسیاری از دانشگاه‌های معتبر کشورهای دیگر این مفهوم تدریس می‌شود. برخی معتقدند داستان سیاسی در کشورهایی که از نظر سیاسی، توسعه یافته هستند با کشورهای که هنوز توسعه نیافتند متفاوت است. به هر حال چه موافق باشیم چه مخالف، داستان سیاسی وجود دارد. حتی برخی داستان‌ها به دلایل سیاسی در زمان خود منتشر نشدند مانند بینوایان نوشته ویکتور هوگو و یا قلعه حیوانات که در شوروی ممنوع بوده است.

حنیف در خصوص تعریف داستان سیاسی ابراز کرد: مفهوم اصلی در سیاست، قدرت و در داستان روایت است. بنابراین هر روایت و داستانی که به قدرت و سازوکار آن، گروه‌های سازمان یافته در جدال یا تأیید گروه دیگر یا حاکمیت بپردازد، در حقیقت یک رمان و داستان سیاسی است. داستان سیاسی را به چند گونه می‌توان تقسیم کرد؛ یک زیرگونه از داستان سیاسی، داستان‌هایی هستند که به مفهوم قدرت، سیاست و حکومت در قدرت‌ها می‌پردازند همانند نون والقلم جلال آل احمد و کوری ژوزه ساراماگو. گونه دیگر داستان‌هایی است که به درگیری قوای اشغالگر با حاکمیت یا مردم می‌پردازد مانند داستان خرمگس اثر اثر اتل لیلیان وینچ و آتش در خرمین حسین فتحی. برخی داستان‌ها با رمز و نشانه به نقد حاکمیت می‌پردازند مانند سرگذشت کندوهای جلال آل احمد و یا قلعه حیوانات جورج اورول. داستان‌هایی نیز هستند که به صورت واقع‌گرایانه به سیاست می‌پردازند مانند داستان شوخی میلان کوندرا و طبل آتش شیرزادی. گونه دیگر داستان سیاسی، داستان‌هایی هستند که از طریق نشان دادن افسردگی، فقر و پوچی یک ملت سیاسی هستند مانند داستان عزاداران بیل سعدی و داستان خوشه‌های خشم جان اشتاین بک.

این نویسنده افزود: منظور از اینکه یک داستان سیاسی است این نیست که در این داستان رگه‌های اجتماعی و انواع دیگر وجود ندارد بلکه ممکن است داستان از نظر قالب و شیوه نوشتن هر نوعی باشد مانند اینکه واقع‌گرا یا رئالیسم جادویی باشد. آنچه که باعث می‌شود یک داستان سیاسی نامگذاری شود این است که عنصر تعیین کننده در حرکت داستان، تحول شخصیت‌ها و کشمکش‌های سیاست، درگیری و مسائل مربوط به قدرت و سیاست باشد. این اتفاقی است که در دوران‌های مختلف افتاده است. بنابراین داستان‌هایی که متأثر از حوادث سیاسی زمان هستند داستان سیاسی محسوب می‌شود اما برخی داستان‌ها از نظر برخی نویسندگان به هیچ



سیاست در بستر ادبیات با موضوع «داستان سیاسی در ایران» ادبیات داستانی بعد از انقلاب پیشرفت کرده است

وجه داستان سیاسی به حساب نمی‌آیند مانند داستان‌هایی که به فقر و بدبختی مردم اشاره دارند و گویی به گونه‌ای به سیاست طعنه می‌زنند. این پژوهشگر با اشاره به سیر تاریخی داستان سیاسی مطرح کرد: دوره تاریخی ما یک سیر تحول، تأثیر و تأثری در وضعیت کتاب به ویژه رمان را پشت سر گذاشته است. داستان سیاسی پیوند عمیقی با دوره‌ها و تحولات تاریخی مختلف دارد. تقسیم بندی‌های مختلفی در این ارتباط وجود دارد که یک نمونه آن را بیان می‌کنم؛ یک دوره بعد از دوره ناصری و از دوره مشروطیت از سال ۱۲۸۵ تا سال ۱۳۰۰ است که بعد از قتل مظفرالدین شاه آرام آرام مملکت دچار هرج و مرج و در عین حال مقداری آزادی زیاد می‌شود و این عوامل سبب می‌شود آثار جدیدی نگاشته شود. دوره بعدی از ۱۳۰۰ تا ۱۳۳۲ است در این دوره خفقان در کنار نوگرایی وجود دارد به تبع تحولات جامعه، داستان نویسان نیز در این دوره متناسب با شرایط می‌نویسند.

وی افزود: دوره بعد از سال ۱۳۲۰ تا سال ۱۳۳۲ است، در این دوره مملکت با آزادی نسبی مواجه است و نویسندگان ناگفته‌های دوران خفقان را می‌نویسند. در دوره بعدی یعنی از ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۹ باز یک دوره خفقان حاکم می‌شود، این دوره

همزمان است با ظهور داستان‌های رمزی و تمثیلی. دور بعد از سال ۱۳۳۹ تا سال ۱۳۴۲ با روی کار آمدن دموکرات‌ها فضای باز سیاسی در ایران ایجاد می‌شود این دوره را می‌توان دوران طلایی داستان‌نویسی نامگذاری کرد، این دوره از سال ۱۳۴۲ آغاز و تا سال ۱۳۵۵ ادامه پیدا می‌کند. از سال ۱۳۵۵ با روی کار آمدن دموکرات‌ها در آمریکا و فضای باز سیاسی باز دوره جدیدی از آزادی در کشور آغاز می‌شود.

دکتر حنیف به ذکر مثال‌ها و شاخص‌های هر دوره پرداخت و گفت: یکی از آثار دوره اول که هنوز خفقان قاجاریه وجود دارد داستان ستارگان فریب خورده فتحعلی آخوندزاده و مسالک المحسنین عبدالرحیم طالوبی است، آثار این دوره بیشتر پیرامون ظلم‌ستیزی، عدالت‌خواهی و نشان دادن ویرانی ایران است. دوره بعد دوره‌ای است که رضاشاه حاکم است و خفقان در کنار نوگرایی در جامعه ظهور می‌کند، از آثار این دوره ۵۳ نفر بزرگ علوی، بوف کور صادق هدایت و تهران مخوف مشفق کاظمی است. دوره بعدی دوره نقد سیاست‌های گذشته است در این دوره نویسندگان به کشتارها و خفقان‌ها می‌پردازند. از جمله آثار این دوره می‌توان به چشم‌هایش بزرگ علوی و انتری که لوطیش میرده صادق چوبک اشاره کرد.

گفت‌وگو با مهدی شریفی

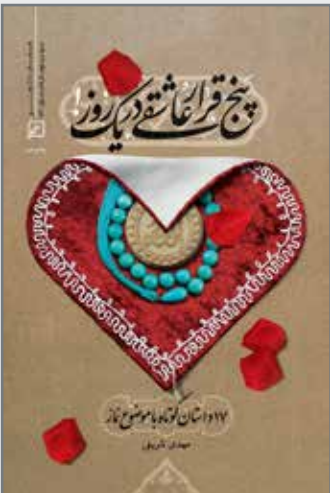
پنج قرار عاشقی در یک روز!

■ مصاحبه با مهدی شریفی نویسنده کتاب مجموعه داستانک «پنج قرار عاشقی در یک روز!» با محوریت موضوع نماز.

موضوع اثر شما چیست؟

کتاب مجموعه داستانک «۵۵ قرار عاشقی در یک روز!» مجموعه داستانکی با محوریت «نماز» است. در این کتاب، هفده داستان کوتاه با موضوع نماز در کنار هم قرار گرفته‌اند. نام کتاب هم تلویحا به همین موضوع اشاره دارد و بناسبت تعداد رکعت‌های نمازهای پنج‌گانه را به ذهن مخاطب، متبادر کند. این مجموعه داستانک به مثابه‌ی تابلوهای نقاشی ساده‌ای، زندگی معمولی آدم‌های معمولی اطراف ما را به تصویر کشیده‌اند تا بهانه‌ای شود برای فکر کردن درباره‌ی «نماز».

سوژه‌های داستانک‌های شما بر چه اساسی انتخاب شده است؟ تلاش ما در مجموعه داستانک «پنج قرار



عاشقی در یک روز!» بر این بوده است که روایتی ساده، ملموس و هنرمندانه از مواجهه و کنش عاطفی، مذهبی و ذهنی مردم با مقوله نماز را نشان دهیم. چه آن‌که اهمیت این واجب

ایشان ادامه داد: بعد از ۲۸ مرداد سال ۳۲ دوره خفقان تازه‌ای آغاز می‌شود این دوره یکی از نقاط عطف تاریخ در ادبیات است. در این دوره نویسندگان به سمت داستان‌های رمزی و تمثیلی می‌روند مانند داستان سرگذشت کندوها و مدیر مدرسه جلال آل احمد. دوره بعدی از سال ۳۹ تا ۴۲ و دوره تحلیل شکست است. آثاری که در این دوره منتشر می‌شود تحت تأثیر فضای باز سیاسی است. از آن جمله می‌توان به نون و القلم جلال آل احمد و تمثیل صادق چوبک اشاره کرد. دوره بعدی مهمترین دوره ادبیات داستانی ایران است و از سال ۴۲ آغاز می‌شود و تا سال ۵۵ ادامه پیدا می‌کند. از جمله آثار این دوره شازده احتجاب گلشیری، نفرین زمین جلال آل احمد، کاوه به آذین، سالاری‌های بزرگ علوی، ماهی سیاه کوچولو صمد بهرنگی، سنگ صبور صادق چوبک و سووشون سیمین دانشور است.

این محقق با اشاره به چرایی خلق آثار بزرگ و شاهکارهای ادبیات داستانی از سال ۴۲ تا سال ۵۵، اظهار داشت: ادبیات رمان پدیده‌ای است که در ارتباط مستقیم با طبقه متوسط و شهرنشین شکل می‌گیرد. پس از انقلاب سفید شاه جامعه دچار تحولاتی مانند توسعه دانشگاه‌ها و مدارس، سپاه دانش، پول نفت، از بین رفتن زمین‌های بزرگ کشاورزی و مهاجرت روستاییان به شهرها و مجموع این عوامل در عین حال که خفقان سیاسی نیز بر جامعه حاکم بوده، سبب تقویت طبقه متوسط می‌شود. به همین دلیل است که ادبیات داستانی در این دوره تقویت شده و آثار با ارزشی خلق می‌شود.

این پژوهشگر به بیان برخی جریان‌های فکری در ادبیات داستانی پرداخت و گفت: جریان‌های فکری که رمان‌ها از آن متأثر می‌شوند را می‌توان به دو دسته سازمان یافته و سازمان نیافته تقسیم کرد. مارکسیست‌ها، اسلام‌گراها و ملی‌گراها از جمله اندیشه‌های فکری سازمان یافته به شمار می‌آیند. در طبقه جریان فکری سازمان نیافته می‌توان به اندیشه اصلاح‌طلبی اشاره کرد که امثال آخوندزاده، طالبوف و زین العابدین مراغه‌ای نماد آن هستند. جریان دیگر اندیشه باستان‌گرایی است که در اواخر دوره قاجاریه و رضاشاه بیشتر دیده می‌شود و محمدباقر میرزا خسروی و موسی نصری نماد آن هستند. از دیگر اندیشه‌های سازمان نیافته می‌توان به اندیشه‌های سنت ستیزی و تجددخواهی، ترویج مبارزه مسلحانه، درویشیان، قدرت ستیزی، بیگانه ستیزی و غیرت سازی، بازگشت به سنت‌های مذهبی و ملی، عدالت خواهی در جامعه روستایی، عدالت خواهی در جامعه شهری و اندیشه دینی اشاره کرد.

حنیف در پایان خاطر نشان کرد: ادبیات داستانی بعد از انقلاب به دلایل مختلف روندی رو به رشد داشته است. کارهای بزرگی که در پایه‌گذاری شیوه‌های داستان‌نویسی مانند رئالیسم جادویی در سال‌های قبل از انقلاب صورت گرفته بود در سال‌های بعد از انقلاب قدرت نمایی کرده و مسیر رو به رشدی را طی کرده است. به لحاظ مضمون و محتوا نیز حرف‌های نو و تازه‌ای در ادبیات داستانی بعد از انقلاب وارد شده است که بخشی از آن مربوط به اندیشه‌های دینی به ویژه تحت تأثیر دفاع مقدس و جنگ هشت ساله است. مفاهیمی که تا پیش از انقلاب وجود نداشت. از آن جمله می‌توان به شاه بی شین و آه با شین اشاره کرد. می‌توان گفت ادبیات داستانی ما از نظر فرم و محتوا بعد از انقلاب مسیر رو به رشدی را طی کرده است.

بدانند، حوادث زندگی یکدیگر را رقم می‌زنند. توجه به این اتصال هنرمندانه که در عین حفظ خصوصیات متمایز هر اثر، آن را به دیگر آثار متصل می‌کند، لذت کشف را به مخاطب می‌بخشد و او را مشتاق می‌کند ارتباطات شخصیت‌ها را با هم پیدا کند.

چنانچه نکته خاصی را در خصوص این اثر لازم می‌دانید مطرح شود، بفرمائید.

سعی تیم نویسندگان مجموعه داستانک «پنج قرار عاشقی در یک روز!» بر این بوده است که در فضایی خالی از شعارها و کلیشه‌های رایج، با نگاهی متفاوت و آسیب‌شناسانه، به موضوعی بپردازند که هر انسانی هر روز با آن مواجه است و ای بسا چالشی روزانه در زندگی اوست. ما به دنبال این بودیم که مخاطب بعد از خواندن این مجموعه، کتاب را ببندد، استین‌هایش را بالا بزند، وضو بگیرد و دو رکعت نماز عشق بخواند و با تمام وجود از این عبادت لذت ببرد. امیدواریم که توفیق تحقق یافتن این آرزو، نصیبمان شود.

گفتنی است کتاب مجموعه داستانک «پنج قرار عاشقی در یک روز!» با محوریت موضوع نماز در گروه ادب و هنر مرکز پژوهش‌های جوان سامان یافته و توسط انتشارات کانون اندیشه جوان، روانه بازار نشر گردیده است.

الهی به عنوان اساسی‌ترین اساس دین مبین اسلام، بر هیچ کس پوشیده نیست. بنابراین کوشیده‌ایم محور اصلی تمام این روایت‌های داستانی، نماز باشد. مواجهه شخصیت‌ها با نماز، گاه در فضایی انتزاعی شکل می‌گیرد و گاه، در بطن روزمره‌ترین اتفاقات زندگی، برخورد شخصیت‌های داستان را با این هدیه الهی مشاهده می‌کنیم.

مهم‌ترین تفاوت کار شما با دیگر کارهایی که در این حوزه انجام شده، چیست؟

همه می‌دانند که تعداد تولیدات ادبی-هنری برای مقوله مهمی همچون نماز از شمار خارج است؛ اما آن‌چه مجموعه ما را از دیگر آثار در این زمینه متمایز می‌کند، اتصال داستانی زیبای این هفده روایت با یکدیگر است. علیرغم این که چهارده نویسنده در تولید این اثر مشارکت داشته‌اند، تمام هفده داستان نوشته شده با رشته داستانی ظریف و دلنشینی به هم متصل شده‌اند؛ درست مثل نخ تسبیحی که مهره‌ها را به هم متصل می‌کند. گاه شخصیت داستان اول، از مقابل شخصیت داستان دوم رد می‌شود و به او سلام می‌کند، گاه شخصیت دو داستان متمایز با هم پشت یک نیمکت در مدرسه می‌نشینند و گاه شخصیت‌ها، بی آن‌که خود



پیدایش رمان اجتماعی

رمان اجتماعی در دنیا وقتی مطرح شد که مفهوم اجتماع و تعریف آن وارد زندگی شد و این امر در پی تحولی بود که در اندیشه و درک بشری پس از رنسانس اتفاق افتاد. رمان اجتماعی در نیمه دوم قرن نوزدهم به وجود آمد و شخصیت‌های آن بیشتر کارگران و قاعده کشاورزان یعنی هرم اجتماع را تشکیل می‌دادند.

از نیمه دوم قرن نوزدهم به بعد، رمان اجتماعی قصد نشان دادن تغییر و تحول جامعه جدید را داشت. البته عده ای با نگرش در این زمینه، سعی داشتند محیط اطراف خود و مناسبات را بهتر بشناسند و با نوشتن، تلاش میکردند رابطه ها و تغییر و تحوله‌ای جدید را درک کنند. بعضی، پا از این فراتر می‌نهند و رابطه رمان را با زندگی اجتماعی، رابطه ای دیالکتیک (متقابل و مؤثر) می‌دانند.

به گفته گلدمن: نویسنده رمان می‌خواهد با رفتارش (نوشتن داستان)، جهان پیرامون را چنان دگرگون کند که پاسخی معنادار برای مسئله خود بیابد. در بین قالب های ادبی، رمان اجتماعی بیشتر از بقیه در این زمینه موفق بوده است. رمان های اجتماعی موفق که جریانی در جامعه به وجود آورده اند، شاهد این مدعا هستند.



گفت‌وگوی‌باشهاب‌اسفندیاری

۲۰سال‌است‌که‌اصلاح‌طلبان‌باتوهم‌فروپاشی‌پیش‌رفته‌اند

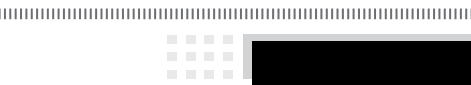
■ روزنامه اعتماد با شهاب اسفندیاری درباره وقایع اخیر گفت‌وگوی مفصل و چالشی در تاریخ ۲ آبان ۱۴۰۱ انجام داده و خلاصه‌ی آن در روز شنبه ۵ آذر در روزنامه اعتماد منتشر شده که در ادامه ملاحظه خواهیم کرد.

متأسفانه ما گاهی خودمان را هم در آیینۀ غرب دیده و شناخته‌ایم. مستشرقان غربی ما را برای خودمان روایت کردند. در زمان امروز هم رسانه‌های غربی ما را روایت می‌کنند. خودمان را در آیینۀ روایت‌های آن‌ها دیده‌ایم. نهایت آن روایت‌ها این است که شما نمی‌توانید خودتان پیشرفت کنید، مگر آنکه ذیل ما تعریف شوید. چون ما ذاتاً از شما برتریم. اساساً مدرنیتهٔ اروپایی مبتنی بر این نگرش نژادپرستانه به «دیگران» بود.

برخی از دولتمردان ما تا مغز استخوان مرعوب غرب بودند. تصورشان این بود که ما نمی‌توانیم پیشرفت کنیم مگر آنکه هضم شویم در نظام سرمایه‌داری جهانی. خودشان تمام نگرش‌های استعماری را بازتولید می‌کردند.

یک تحریف این است که می‌گویند در انقلاب اصلاً حرف از اسلام نبود! مردم فقط دنبال آزادی بودند و یکباره روحانیون همه مطالبات را مصادره کردند! اگر مردم صرفاً دنبال آزادی بودند، آیا چه‌رمای لیبرال میان مخالفین شاه نبود که مردم دنبال او راه بیافتند؟

این توانمندسازی زنان که در جمهوری اسلامی اتفاق افتاده، آیا در تاریخ ایران در هیچ دورهٔ دیگری اتفاق افتاده است؟ آیا در تاریخ ایران هیچ‌وقت این همه زن تحصیل کرده، وکیل،



۴۷کشور‌در‌اغتشاشات‌اخیر‌مشارکت‌داشتند

■ «یزدی‌خواه» عضو کمیسیون فرهنگی مجلس:

در جریان اغتشاشات اخیر ۴۷ کشور و ۱۱ سرویس جاسوسی مشارکت فعال داشته‌اند. کشورهایی ازجمله عربستان، مصر، ترکیه، امارات و سرویس‌های جاسوسی تمام توان خود را علیه ایران به کار بستند تا کار کشور را یکسره کنند.

بیش از یک میلیون فراخوان برای تجمعات در فضای مجازی منتشر شده که اگر به ازای هر فراخوان یک نفر به میدان می‌آمد، یک میلیون نفر باید در تجمعات حضور پیدا می‌کرد اما نهایتاً ۱۳۰ هزار نفر در سراسر کشور در این جریان‌ات حضور داشتند.

فجایی اتفاق افتاد هیچ برخوردی نکردند؛ بلکه قربانیان را وادار به سکوت کردند.

۲۰ سال است که اصلاح‌طلبان با توهم فروپاشی پیش رفته‌اند. به قدری در این توهم فرو رفتند که از کنش سیاسی معقول و مؤثر بازماندند. این سبب شده که گاه کارهایی انجام دهند که خودویرانگر است و یا علیه منافع ملی است.

یکی از وجوه غیراخلاقی کنش‌گری سیاسی در بین اصلاح‌طلبان این است که انگار دیده‌اند شرایط فعلی فرصت خوبی است که بیایند دنبال وصول مطالبات قبلی خودشان. در این شرایط دنبال امتیاز گرفتن هستند. مگر در ۸۷ یا ۸۸ توانستند امتیازی بگیرند که از آن روش‌ها استفاده می‌کنند؟ اصلاح‌طلبان در پاسخ به حمایت رهبری از اصلاحات و تأکید بر ضرورت مبارزه با فقر، فساد و تبعیض چه واکنشی نشان دادند؟ بی‌اعتنایی مطلق. گفتند نه! پروژهٔ اصلاحات اینها نیست. تمام تمرکزشان را گذاشتند روی توسعهٔ سیاسی و دغدغه‌های یک قشر خاص.

مبارزه با فقر و فساد که خیلی در دستور کار دولت اصلاحات نبود، چون با «کارگزاران» متحد بودند. اما تحت عنوان مبارزه با «تبعیض» که رهبری هم پذیرفته بودند چقدر می‌توانستند کار کنند؟ اما پروژهٔ اصلاحات چگونه تعریف شد؟ «فتح سنگر به سنگر قدرت»! روزنامهٔ اصلاحات چگونه تعریف شد؟ «توپخانهٔ اصلاحات»!

تمام ایراداتی که اصلاح‌طلبان به حاکمیت می‌گیرند به خودشان وارد است. یک مورد «امنیتی کردن فضای جامعه» بود. چند نیروی امنیتی جزو تئورسین‌های اصلی اصلاحات بودند؟ چه کسانی با انتشار نامه محرمانه در روزنامه سلام زمینه‌ساز حوادث کوی دانشگاه شدند؟

مورد دیگر «عدم تحمل مخالف» است. چقدر در روزنامه‌های اصلاحات تحمل مخالف وجود داشت؟ با آقای هاشمی که مدیون او بودند چه کردند؟ این تحمل مخالف بود؟

می‌گویند حاکمیت هیچ‌وقت از مواضع خود یک قدم عقب نمی‌رود. آیا اصلاح‌طلبان از ادعای دروغ و تهمت تقلب در انتخابات سال ۸۸ یک قدم عقب رفتند؟ با آنکه همه می‌دانستند که چنین کاری اصلاً امکان‌پذیر نیست.

اصلاح‌طلبان به اصولگرایان می‌گویند که شما شخصیت‌های سیاسی را مقدس می‌کنید که قابل نقد نباشند. آیا اصلاح‌طلبان از سال ۸۸ یک نقد جدی به آقای موسوی وارد کرده‌اند؟ پرسیده‌اند که او در ۸۸ با این کشور چه کرد؟ چرا همان سالی که در ابتدای آن اوباما به رهبر انقلاب نامه نوشته بود که حاضریم ایران هسته‌ای را بپذیریم و در مورد مسائل گفت‌وگو کنیم، چنین فتنه و آشوبی در کشور به پا شد؟

تحریم‌های وحشیانه و بی‌سابقه اقتصادی چه زمانی توسط آمریکا اعمال شد؟ درست پس از وقایع سال ۸۸ این‌ها را فراموش نکنیم. امروز که روزنامه‌های اصلاح‌طلب را می‌خوانیم همه طوری صحبت می‌کنند که انگار تمام مشکلات موجود از حاکمیت است و خودشان هیچ نقشی نداشته و ندارند.

یادداشت

بسیج‌نوستالژیک‌من

دیدم که واقعا بسیجی بودند یا افغانستانی‌ها و پاکستانی‌ها و اروپایی‌هایی که همه وجودشان وقف اسلام بود. کم کم و با بروز حوادث مختلف از واکنسیناسیون فلج اطفال که جمعه ای را به قطره چکانی پرداختیم تا کووید ۹۱ و دل نگرانی‌های امنیتی و زلزله و سیل و ... فهمیدیم که بسیج بزرگترین سازمان اورژانس اجتماعی کشور است که شاید به اشتباه یا از سرناچاری در یک سازمان رزم نظامی جایابی شده است.

بسیج صرفنظر از برخی عملکردهای خطا و اقدامات ناصواب، یک ضرورت اجتماعی و ملی است که اصل وجودش نباید با چالش روبرو شود.

بسیج یک فرصت ساختاری اما بی سازمان است که میلیونها کنشگر پای کار دارد که می‌تواند پیشبران اقتصاد و سیاست و فرهنگ در شرایط اضطرابی باشد.

بسیج بزرگترین نهاد مدنی برای اجرای مسوولیت اجتماعی است که می‌تواند به آموزش و تمرین سبک زندگی همزمان چند نسل مبتنی بر ارزشهای اساسی نظام بپردازد.

بی شک تقلیل بسیج به یک نهاد صرفاً نظامی یا سیاسی و بدتر از آن تخصیص آن به یک جناح و باور سیاسی نه با اهداف تأسیس آن سازگار است و نه با مصالح نظام و جامعه همخوان است.

بسیج یک سازمان دهها میلیون نفری است که یکایک ملت ایران و سایر دوستدارانش در سراسر جهان اعضای فعالش به حساب می‌آیند و هریک می‌تواند گره ای از مشکلات ملت بگشاید.

این بسیج خاطره انگیز را همیشه دوست داریم.



نبردپنهان‌رسانه‌های‌داخلی

به اعتقاد برخی کارشناسان در آشوب‌های اخیر، خشاب اغتشاشگران کف خیابان با گلوله‌های رسانه و فضای مجازی پر می‌شود لذا نمی‌توان ساحت سخت ناامنی‌های اخیر را با قطع نظر از ساحت نرم آن مورد ارزیابی قرار داد؛ در ساحت نرم این ناامنی‌ها نیز با دو نوع رویکرد مواجه هستیم؛ رویکرد اول به صورت عیان و عریان دعوت به آشوب و ناامنی می‌کند و طبیعتاً افراد محدودی را می‌تواند مجاب به شورش کند لکن رویکرد دوم همان اهداف پیشین را به‌صورت پوشیده و پنهان دنبال می‌کند تا بتواند افراد بیشتری را زیر چتر عملیات روانی خود ببرد؛ در این یادداشت می‌کوشیم عملکرد رسانه‌هایی که رویکرد دوم را برگزیده‌اند بررسی کرده و خصوصیات آن را ذکر کنیم؛

۱. این رسانه‌ها از همان ابتدا به خوبی دریافتند که هیجانات و احساسات برخاسته از فوت یک دختر جوان، قابلیت ایجاد یک جنبش اجتماعی را نداشته و قادر نیست برای مدت طولانی افراد قابل توجهی را در کف خیابان نگه دارد؛ لذا با هوشمندی، تلاش خود را معطوف کرده بودند تا نقاب عقلانیت بر چهره اعتراضات بکشند؛ مطالبی نظیر «بی توجهی به مردم و کنار گذاشتن آنان از اداره کشور» قنر مشترک انبوه مصاحبه‌ها و تحلیل‌هایی بود که در خروجی این رسانه‌ها قرار می‌گرفت؛ عمده این مطالب از طرف وابستگان فکری و جناحی دولت‌های سابق که زمانی مسئولیت اداره کشور را داشتند بیان می‌شد.

۲. برای تقویت روحیه افرادی که در خیابان خود را در اقلیت محض می‌دیدند، لازم بود که حرکتی از طرف این رسانه‌ها برای جبران این کمبود انجام شود؛ لذا ابتدا با معرفی اغتشاشگران به‌عنوان مردم تلاش داشتند «فراوان پنداری اجباری» برای آنان و دیگر همفکران خود فراهم کنند لکن خیلی زود این طریقه شکست خورد و وظیفه آنان ایجاد می‌کرد که رویکرد دیگری در پیش گرفته شود؛ در رویکرد جدید آمار منتقدین وضع موجود بر اغتشاشگران افزوده می‌شدو آنان نیز مخالفان جمهوری اسلامی قلمداد می‌شدند؛ لازم به ذکر است این شیوه پس از آن صورت می‌گرفت که معرفی اغتشاشگران به‌عنوان مردم، باورپذیری خود را از دست داده و همچنین تعداد پایین افراد حاضر در خیابان، غیر قابل انکار شده بود.

۳. این رسانه‌ها نمی‌توانستند مشابه همکاران خارجی خود، آمار خودکشی‌ها را به حساب مأموران کشور فاکتور کنند لکن برای اینکه از قافله اتهام‌زنی عقب نمانند به‌صورت گسترده تکزبیه‌های پلیس درباره اتهامات وارده را منتشر می‌کردند تا به نحوی مخاطب را به این نتیجه برسانند که حتما «چیزکی» بوده و در نتیجه «چیزها» نقل محافل شده است.

۴. از دیگر خصوصیات جالب این رسانه‌ها، این بود که نسبت به جنایات صورت گرفته توسط اغتشاشگران، سکوت و یا نهایتاً موضعگیری بی‌رمقی داشتند اما وقتی نوبت به مجازات اخلاک‌گران امنیت می‌رسید، با قیافه حق به‌جانب ظاهر شده و مدعی می‌شدند که «پاسخ خشونت، خشونت نیست»؛ پوشش گسترده اخبار «اعدام مخلان امنیت» بدون اشاره به جنایات آنان، در همین چارچوب قابل تحلیل است. ۵. این رسانه‌ها نسبت به سلبریتی‌ها نیز برخورد منحصر به فردی داشتند؛ تحریک سلبریتی‌ها به ایجاد آشوب و ناامنی از چشم این رسانه‌ها دور می‌ماند لکن خبر اخطار و احضار سلبریتی‌ها، پیش و بیش از همه به دست این رسانه‌ها می‌رسید!

۶. از ویژگی‌های دیگر این رسانه‌ها این بود که بر سکوت خواص در آشوب‌های اخیر صحنه گذاشته و حتی دلایلی بر سکوت خواص فهرست می‌کردند؛ عمده دلایلی که مطرح می‌شد مربوط به کنار گذاشتن افرادی بود که زمانی در کشور مسئولیت داشتند؛ این رسانه‌ها مدعی بودند نباید از افرادی که از مسئولیت‌های خود کنار گذاشته شده‌اند، انتظار موضعگیری علیه دشمنان کشور داشت!

۷. علاوه بر توجیه و تشویق سکوت خواص، مأموریت دیگری که این رسانه‌ها برای خود تعریف کرده بودند تدارک «سکوت اجباری» برای افرادی بود که به جهت روشنگری وارد میدان شده بودند؛ این رسانه‌ها با تقطیع ناجوانمردانه سخنان این افراد، درصد بیرون کردن آنان از عرصه تبیین بودند که البته در برخی موارد به نتایجی هم دست یافتند!

صاحب امتیاز و مدیر مسئول | محمد جواد اهوویی

زیر نظر شورای سردبیری

دبیران گروه ها | محمد امین دیبازر | مدیر هنری | محمود محمودی

عکس | طه آهوویی | صفحه آرا | کیمیا محسن پور

ویراستار | مرضیه کاشفی | حروفچینی و تصحیح | نرگس نایب زاده

روابط عمومی | جهانگیر توسلی | تحریریه | ۰۲۱۸۵۵۴۰۱۸

نشانی | بلوار کشاورز - خیابان عبداللّه زاده - کوچه زیبا - پلاک ۴۴ - واحد ۵

FAZAMAJAZI
@ASREGANOON



نبرد پنهان رسانه های داخلی

به اعتقاد برخی کارشناسان در آشوب های اخیر،
خواب اغتشاشگران کف خیابان با گلوله های رسانه
و فضای مجازی پر می شود.

ادبیات داستانی بعد از انقلاب پیشرفت داشت است

در بسیاری از آثار ادبیات کهن مانند نصایح
الملوکات و حتی بسیاری از مثنوی ها مانند گلستان
سعدی و اثر ماندگار حافظ تاثیر سیاست وجود دارد.



شانس صعود شاگردان کی روش بیشتر شد

به گزارش خبرگزاری تسنیم، در آخرین بازی از شب ششم جام جهانی ۲۰۲۲، جمعه شب از ساعت ۲۲:۳۰ به وقت تهران، از گروه A در ورزشگاه البیت تیم های ملی آمریکا و انگلیس به مصاف هم رفتند که این بازی بدون گل خاتمه یافت، نتیجه ای که به سود تیم ملی ایران است.

در این بازی انگلیس با وجود تملک بیشتر و پاسکاری بهتر بازیکنانش، طوری بازی نکرد که بتوان گفت سزوار کسب سه امتیاز بوده است، در واقع این آمریکا بود که موقعیت های گلزنی بیشتری داشت و خطر های بیشتری روی دروازه حریف خود ایجاد کرد، البته انگلیسی ها در وقت های تلف شده نیمه دوم روی یک ضربه شروع مجدد شانس خوبی برای گلزنی داشتند که از دست رفت.

سه شیر به خلاف بازی اولش برابر ایران، مقابل آمریکا حرف زیادی برای گفتن نداشت و تنها دو ضربه بازیکنانش داخل چارچوب بود. دوندگی فراوان و بازی در گیرانه بازیکنان آمریکا، به انگلیسی ها اجازه نداد که برنامه تاکتیکی خود را به نحو احسن اجرا کنند و خطراتی که این تیم در ضد حملات ایجاد می کرد هم انگلیسی ها را مجبور کرد که با احتیاط بیشتری کار را دنبال کنند.

با این نتیجه انگلیس چهار امتیازی شد و در صدر جدول گروه B قرار گرفت. این تیم در صورت کسب حتی یک تساوی از بازی آخرش برابر ولز که روز سه شنبه برگزار خواهد شد، صعود خود را قطعی می کند. آمریکا اما با قبول دومین تساوی متوالی با دو امتیاز در رده سوم باقی ماند و این بدان معناست که این تیم باید در بازی آخر خود تنها ایران را شکست دهد تا صعود کند.



ایران در چه صورتی از مرحله گروهی صعود می کند؟

سه شیرها فرصت این را داشتند که صعود خود به مرحله بعدی را سریعتر از سایر رقبا قطعی کنند اما تیم گرت ساوت گیت در برابر آمریکا به تساوی بدون گل رضایت داد تا همه چیز به هفته آخر کشیده شود.

در پایان دور دوم، انگلیس ۴ امتیاز، ایران ۳ امتیاز، آمریکا ۲ امتیاز و ولز یک امتیاز به دست آوردند تا شاگردان ساوت گیت و کی روش از بیشترین شانس برای صعود برخوردار باشند.

هفته پایانی روز سه شنبه و به صورت همزمان برگزار خواهد شد که در آن ایران به مصاف آمریکا می رود و ولز رودروی انگلیس می ایستد. از بین سه حالت دیدار تیم ملی، یک حالت (برد) حکم به صعود قطعی می دهد و یک حالت (باخت) منجر به حذف قطعی خواهد شد اما شرایط تساوی پیچیده است.

با تساوی ایران مقابل آمریکا، ایالات متحده به صورت قطعی از جام جهانی حذف خواهد شد اما ولز شانس صعود خواهد داشت...

سبک زندگی قرآنی



هنگام روزه و شکر سبکی اتفاق کن
وخشمت را فروریز و گذشت کن...
که از نشانه های نیکوکاران است.
(سوره آل عمران، آیه ۱۳۴)

مرتضی پورعلی گنجی:

سرود ملی را خواندیم تادل مردم شاد شود

مرتضی پورعلی گنجی مدافع ملی پوش کشورمان بعد از برد تیم ملی مقابل ولز در خصوص این بازی اظهار داشت: به همه هواداران این بازی را تبریک می گویم. بازی اول همیشه سخت است و حتی تیم های بزرگ دنیا هم دچار مشکلاتی می شوند. در بازی اول ما روی یکسری جزئیات خوب کار نکردیم. در هر بازی اتفاق خاصی می افتد. برزیل در خانه خودش ۷ گل از آلمان خورد.

وی ادامه داد: یکسری از جزئیات را درست انجام ندادیم و جلوی انگلیس نتیجه خوبی نگرفتیم. این برد و ۳ امتیاز را به همه مردم تقدیم می کنم. ان شالله در بازی بعدی هم نتیجه خوبی بگیریم.

پورعلی گنجی در خصوص حلقه اتحاد ملی پوشان بعد از شکست مقابل انگلیس و اینکه این کار کی روش چه تاثیری در شرایط روحی تیم ملی داشت گفت: به هر حال کی روش را همه می شناسند و از ابهت او خبر دارند. او گفت که بازی تمام شده و ما وقت زیادی نداریم باید تلاش کنیم تا در بازی بعدی نتیجه بگیریم تا دل مردم را شاد کنیم.

وی درباره بازی با آمریکا تصریح کرد: همه تلاش خود را می کنیم تا در این بازی نتیجه بگیریم و ان شالله صعود کنیم. مدافع تیم ملی درباره اینکه چرا در این بازی سرود ملی را خواندند افزود: ما برای این مردم تلاش می کنیم تا دل آنها را شاد کنیم.

این بهترین بازی تاریخ فوتبال ایران بود

داد، با یک اتفاق (اخراج گلر ولز که ستاره بازی بود)، موقعیت برتری عددی را به صورت کامل به دست آورد و با ورود مهدی ترابی، هر لحظه بیشتر در موقعیت برد قرار گرفت با این حال بازیکنی فوتبال ایران را به مهمترین برد چند دهه اخیر رساند که بیشترین انتقادات را در مسابقه قبلی روی دوش خود داشت؛ روزبه چشمی.

ایران پس از این گل هم عقب نکشید و اینبار با یک ضد حمله سریع دیگر و با کیفیتی که مهدی طارمی به صورت ویژه از آن برخوردار است صاحب موقعیت گل شد تا رامین رضاییان هم یکی از محدود گل های ملی خود را به زیبایی به ثمر برساند و صحنه های فوق العاده در ورزشگاه خلق کند. زمانی که او به همراه تنی چند از بازیکنان ایران مشغول گریستن بود...

فوتبال ایران به این پیروزی احتیاج داشت. به خصوص که نشان داد با رویکرد تهاجمی چه تیم خوب تر و موفق تری خواهیم بود. حالا ایران با سه امتیاز وارد روز سوم مسابقات شده و دست بالا را مقابل آمریکا و ولز خواهد داشت و چه بسا اولین صعود به دور دوم جام های جهانی در انتظارمان باشد. صعودی که پایه اش را در بهترین نمایش تاریخ فوتبال ملی جستجو خواهیم کرد.

این نمایشی فراتر از انتظارات پس از شکست سنگین مقابل انگلیس بود. اما ترکیب صحیح، چینش درست و همچنین فداکاری بازیکنانی که ۹۰ دقیقه سرشان را مقابل توپ گذاشتند، بردی خارق العاده و خاطره انگیز برای هواداران فوتبال ایران رقم زد. آن هم در شرایطی که ایران بعد از دیدار مقابل انگلیس به نظر در ضعیف ترین حالت روحی خود قرار داشت اما با کاهش فشار بیرونی و همچنین اتحاد بیشتر در موقعیت دشوار پیش از مسابقه همه چیز برای موفقیت هموار شد.

برای ایران همه چیز از نیمه دوم آغاز شد؛ جایی که قلق گیری نیمه اول بدل به یک بازی سریع، استفاده از کناره ها و همچنین حرکات موثر سردار روی مدافعان وسط ولز شد. در این میان احسان حاج صفی و سعید عزت اللهی بهترین نمایش ممکن را در میانه میدان داشتند و مدافعان مرکزی و کناری ایران هم فرصتی برای ایجاد موقعیت به حریف نمی دادند. به این ها باید نمایش ویژه سیدحسین حسینی را هم اضافه کرد که با تصمیم خوب کی روش بار دیگر فرصت بازی یافت تا بهترین نمایش عمر فوتبالی خود را به ارائه بگذارد.

ایران اما بعد از آن که سه فرصت استثنایی گلزنی را از دست

